

آزادی، قانون و مجلس در نگاه روزنامه اختر

♦ عباس نصر*

در زمانی که مدرنیسم از سوی غرب تائید خود را آغاز کرد، روشنفکران در این اندیشه برآمدند که تجریبات تمدنی و مدنی غرب را انتقال دهند و با طرح و بیان شکل و نتایج دستاوردهای آنها موجبات تحول و دگرگونی جامعه خفته خود را فراهم نمایند.

در این میان بایستی برای روزنامه اختر که با ادبیات وزین و بدون خودباختگی پی در پی موضوع آزادی قانون و مجلس را پیگیری نموده است جایگاه ویژه‌ای در ایجاد تفکر پارلمانی قائل شد. این روزنامه پر محتوا که از ۱۳۲۲ سال قبل (یعنی ۳۲ سال قبل از انقلاب مشروطه) شروع به انتشار نمود. از همان آغاز با یک روند کاملاً منطقی و عالمانه از فلسفه حیات انسانی آغاز کرده و گام به گام پیش رفته تا به آزادی انسان پرداخته سپس موضوع حفظ آزادی انسانی را به موضوع شریعت و قانون رسانده از آنها نیاز به مجلس قانون‌گذاری و نقش آن را بازگو کرده است.

این روزنامه تنها به گفت‌وگوهای تئوری بسنده ننموده است، بلکه در کنار نظریه‌پردازی‌های نوشتاری از مجالس گوناگون موجود در کشورهای مختلف نظیر مجلس سنا، مجلس شورا، شورای شهر و... سخن به میان آورده است و ضمن تعریف مختصر، عملکرد آنها را در قالب خبر گزارش نموده است.

پاسخ این پرسش را که چه شد ایرانیان که طی دو، سه هزار سال با حاکمیت مطلقه فردی بسر

* پژوهشگر و کارشناس ارشد تاریخ.

برده و خون و فرهنگ آنها با این شیوه خو گرفته بود ناگهان با وزیدن این نوع اندیشه به آنسوی رفتند و خواستار تحول شده انقلاب مشروطه را رقم زدند؟ پاسخ این پرسش را در این روزنامه به خوبی می توان یافت. زیرا نویسندگان آن با نهایت درایت به طرح موضوع پرداخته است.

بگونه ای که استادی آنها در بیان استدلال ها و ادبیات متناسب با فرهنگ ایرانی همراه با حفظ احترام به صاحب منصبان و جلوگیری از تحریک آنها بدون آنکه تملق و چاپلوسی از آنها نماید آدمی را در حیرت فرو می برد. چنانچه در این روزنامه نام شخص ناصرالدین شاه و پادشاه عثمانی دیده نمی شود ولی هر گاه ضرورت داشته که نام آنها به میان آید عناوین نظیر شاهنشاه قوی شوکت برای شاه ایران و باب عالی برای پادشاه عثمانی به کار گرفته است در حالی که به طور ریشه ای و با حرارت تمام با استبداد مبارزه کرده و مقالاتی که درباره آزادی نوشته است هستی زمامداران مستبد را به باد توفان داده است. و به همین دلیل ناصرالدین شاه دستور جلوگیری از ورود آن را داده است.

تطبیق اندیشه های آزادی طلبانه با افکار دینی و فرهنگی خودی از هنرمندی های دیگر روزنامه اختر است. این هنرمندی موجب می گشت که خودی ها به دلیل ورود چنین اندیشه ای وحشت نکنند و بهانه به دست عناصر ارتجاعی ندهد و آنها هم به مبارزه علیه این تفکر قیام نمایند تا در نهایت بتوان گام اصلاح طلبی را برداشت.

در هر حال مرور مطالب این روزنامه حکایت از پختگی کلام و درایت و تدبیر در شیوه طرح مسائل دارد. برای کنکاش پیرامون موضوع آزادی - قانون و مجلس در این روزنامه شمارگان در سال اول آن را از نظر گذرانده و علاوه بر موضوع آزادی درباره قانون و مجلس. چهار جنبه مورد توجه قرار گرفت:

۱- تئوری پردازی ها و گفتارهای مستقیم پیرامون حقوق و قانون و مجلس که به صورت سرمقاله یا پاورقی مطبوعاتی آمده اند و در آنها به ضرورت و فلسفه آنها پرداخته و از کارکرد آنها سخن به میان آمده است.

۲- گزارش روزانه از مجالس موجود دنیا و تصمیم گیری آنها و مصوبات یا استیضاح مسوولان کشورهای خود که این گزارش ها به طور عملی کارکرد مجلس را برای خواننده به نمایش می گذاشت.

۳- چاپ و انتشار نظام نامه ها یا مجموع قوانین و آئین نامه و مقررات از کشورهای مختلف. این نظام نامه ها که حجم زیادی از روزنامه را دربر می گیرد برای کشوری نظیر ایران که فاقد مقررات بود بسیار جالب و جذاب می توانست باشد و نشان می دهد که مردم دنیا چه موازین و مقرراتی را در

زمینه‌های مختلف زندگی خود به کار گرفته تا باز یچه سلیقه افراد مستبد قرار نگیرند. در این راستا حتی مبانی حقوق اولیه انسانی را به نقل از «یک کلمه» نیز منتشر کرده است که خواهد آمد.

۴- اصلاحات مهم دولت عثمانی که از استبدادی به مشروطه تبدیل گشت و در این روزنامه با دقت این تحولات پیگیری شده است الگوی یک کشور اسلامی مشروطه بود که هر بهانه‌ای را از حاکمیت و افراد متعصب مذهبی می‌گرفت.

ما در این گفتار ابتدا به گفت‌وگو درباره آزادی پرداخته و سپس چهار عرصه فوق را از نظر می‌گذرانیم.

آزادی

روزنامه اختر همچون ستاره‌های در کویر تاریک- راهنمای کاروانیان آن دوران بوده است سر دادن ندای آزادی در جامعه استبداد زده آن روزگاران کار بسیار سختی بود. مقایسه شود که در دوران ما با وجود گسترش تحصیلات و وجود دانشگاه‌ها و مطبوعات از یکسو و پشت سر گذاشتن دو انقلاب بزرگ آزادیخواهی و ده‌ها جنبش و حرکت باز هم برای سخن گفتن پیرامون آزادی مشکلاتی مشاهده می‌شود.

ریشه اصلی این مشکلات در فرهنگ فردگرای سیاسی ۲۵۰۰ ساله ما نهفته است که اسلام شور اگر نیز نتوانست پایه‌های آن را به لزره در آورد بلکه اندیشه سیاسی اسلامی نیز پس از ورود به ایران در این فرهنگ فردگرا ذوب شد.

بی‌شک نفوذ نسیم مدرنیسم در دوران قاجار شوک عظیمی بر اندیشه سیاسی ما بود و روشنفکران و اصلاح طلبان آن دوران را در درجات مختلف جذب نمود. پس از تحلیل محتوای شماره‌های مختلف این رسانه متوجه می‌شویم که ویژگی مهم روزنامه اختر آن است که نویسنده یا نویسندگان آن به دنبال این نبوده‌اند که اندیشه‌های غربی را لباس اسلامی یا ایرانی بپوشند و با سرعت و عجله به خورد مردم دهند بلکه با کمال پختگی و درک شرایط متفاوتی که ملت ما دارا هستند گفتمان‌هایی نظیر آزادی، تمدن، قانون، مجلس و... را مطرح کنند.

شاید یکی از دلایل این تدبیر آن است که این روزنامه در کشور عثمانی و از شهر اسلامبول منتشر می‌شده است چون در آنجا بر خورد تمدن اسلامی و غربی مراحل پیشرفته‌تری نسبت به کشور ایران را پشت سر گذاشته بود و نخستین رویارویی‌ها را طی نمی‌کرد.

ناگفته نماند که در جای جای این روزنامه سفارش به درک شرایط جهانی و توجه به پیشرفت‌ها و تجربیات غرب دیده می‌شود اما در هنگام طرح مسائل حالت جادو زدگی و افسون‌شدگی دیده نمی‌شود بلکه با اعتدال و منطق به طرح مسائل فوق می‌پردازد.

درباره موضوع آزادی نیز با استناد به نوعی بینش و فلسفه سیاسی به آن پرداخته چنانچه و برخی از شماره‌های یک سال اول انتشار آن را که ما بررسی کردیم دیده شد که از فلسفه خلقت و آفرینش انسان آغاز کرده به آزادی اندیشه می‌پردازد و به تدریج تا مرحله ضرورت ایجاد قانون اساسی و مجلس و آزادی‌های مدنی نظیر آزادی مطبوعات پیش می‌رود.

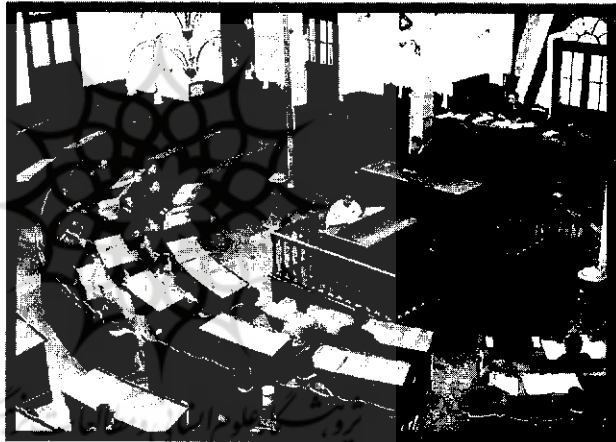
نکته جالب توجه آن است که در هیچ مرحله‌ای از این روند جایگاه شریعت و اسلام را فراموش نکرده و هم‌نوایی آن را با باورهای دینی به طور خالصانه و به دور از نفاق و برخورد ابزاری با مذهب تطبیق می‌دهد که ما در این نوشته این روند را پی می‌گیریم.

اختر گفتمان خود را از موضوع انسان و هدف از خلقت این موجود آغاز می‌کند.

«انسان و خلقت- گروه انسان بهترین اصناف مخلوقات مشهود است و مجمع هر گونه استعداد صوری و مفهومی چنانکه می‌توان گفت که مقصود حقیقی آفریننده توانای بی‌نیاز از خلقت این جهان با عظمت انسان است...»^(۱)

با گفتاری طولانی این روزنامه جایگاه شریف و والای بشر را در مجموعه خلقت بیان نموده است تا خواننده به خود آگاهی دست یابد.

انسان مدنی الطبع است: در شرایطی که نسیم تصوف همچنان بر فرهنگ ما می‌وزید



اولین پارلمان عشائی

و زندگی صوفیانه و انزوا و درویشی را تبلیغ می‌کرد روزنامه اختر بر زیر ساخت فطرت و آفرینش بشر انگشت نهاده و او را مدنی الطبع معرفی می‌کند و اضافه می‌کند که نام انسان از همین اصل برخاسته است چنانچه گفته است:

«این بنی نوع انسان که جهان را بنیاد آبدی از ایشان است مدنی الطبع هستند... و این است ماخذ تسمیه بنی نوع ما به انسان که از (انس) اشتقاق دارد که بالطبع به همدیگر باید انس گیرند چنانچه کتاب مبین می‌فرماید: شمارا شعبه‌ها و قبیله‌ها نمودیم تا آنکه همدیگر را بشناسند»^(۲)

امکان انحراف بشر - نویسنده مقاله بر امکان انحراف بشر و سوء استفاده از توانمندی‌های خود اصرار داشته و می‌نویسد:

«لکن چون به اقتضای خلقت بشر که از جهت انسانی دو خاصیت حکمت و نزاهت گذاشته شده

است و از جهت خواص مشترک با حیوانات خاصیت و غضب نیز به او داده شده است تصادم این حالات و صفات به ناچار اینای این جنس را به خطر می‌اندازد به همین خاطر مالکان صفت حکمت که خود را از پنجه حیوانیت رها کرده‌اند و دیده‌اند که اساس انسانیت پا نخواهد گرفت مگر به ترتیب برخی مقدمات و تحصیل مقامات انسانیت . . . برای حصول این مقصود در هر عهد و زمانی مناسب آن وقت شرایط و قوانین عدل و داد گذاشته‌اند و مقدمات شرف و افتخار فردی و جمعی را فراهم کرده‌اند. ^(۳)

وظیفه ما در برابر انسانیت - در ادامه گفتار فوق به وظیفه انسانی در شرایط کنونی خود اشاره می‌نماید که «بنا به مقدمات مذکور هیچ شغلی مهمتر و لازم‌تر از این نیست که بدون تردید مقصود اصلی انسانیت و مدنیت را با حالات و وضع موجود فردی و جمعی خود موازنه کنیم و بسنجیم و کمبود و نقصان آن را با تطبیق با شرایط و نوامیس و قوانین عادلانه از روی تحقیق و واقع فهمیده و به کمال غیرت و اقدام اصلاح کرده مستعد نیل به سعادت دو جهان باشیم و مقصود از انسانیت را به دست آوریم. ^(۴)

از مقاله انسان و انسانیت که چند جمله آن در بالا آمد بر می‌آید، نویسنده به سراغ اصل هستی انسان رفته است و از فراز خط و خطوط سیاسی و دینی و فرهنگی، با دلسوزی تمام خواهان بازنگری جامعه به وضع موجود خود و درک اهداف آفرینش انسان است.

این روزنامه در گفتارهای بعدی که به مدنی الطبع بودن و انسانیت او اشاره دارد بر اساس همین بینش سخن را ادامه می‌دهد. درباره ارزش سخن گفتن نیز آورده است.

ارزش بیان: گفتار بعدی این روزنامه پیرامون ارزش سخن است که طی مقاله‌ای طولانی آورده است و نتیجه گرفته است که «عمران و آبادانی این کرده خاکی و اطوار زندگانی و رفع احتیاجات و جلب منافع و دفع ضررها پیش نخواهد رفت مگر به سخن گفتن . . . پس سخن و کتابت است که در مرتبه نخستین متکفل رفع تمامی احتیاجات نوع بشر و دست مایه سعادت‌مندی هر طایفه و ملتی است. اساس تامين استقلال هر وطن و مملکتی سخن و کتابت است. . . ^(۵)

نویسندگان اختر در این نوشته‌ها از خلقت و انسانیت آغاز و سپس به ارزش سخن پرداخته تا بر اساس این پایه‌های فطری، اصول آزادی بیان را در گفتارهای بعد مطرح نمایند.

اما از آنجا که برخی افراد متعصب طرح مسائل این جهان را مخالف رسیدن به بهشت دانسته و با سخن گفتن درباره مسائل مادی و این جهانی مخالف بوده‌اند روزنامه مسائل این جهان را مقدم و پیشیناز مسائل جهان دیگر دانسته و با آن دیدگاه ضد رشد به مبارزه برمی‌خیزد و می‌گوید: «غیر از تکالیف ذاتی دینی تکالیف بسیار دیگری داریم اگر رشد دیانت و حفظ آن را خواسته باشیم باید آنها را انجام دهیم ابدان جامعه بشری را حفظ کنیم تا روح باقی باشد مگر دیانت علم را بر علم ابدان و

علم ادیان قسمت نکرد و علم ابدان را مقدم بر علم ادیان نشمرد پس اساس دینانها حفظ حقوق و شرف ابدان است. «^(۶)

رشد مدنیت انسان به آزادی افکار است: پس از آن مقدمات معرفتی بالاخره این روزنامه در شماره ۱۲ اولین گفتار را با عنوان آزادی افکار می آورد و به طور مرتب هر چند گاه یکبار باز با همین عنوان یا عناوین مشابه پیرامون آزادی اندیشه سخن می گوید.

در این گفتار آورده است که علم و حکمت ما را آگاه می کند که به دست آوردن حقیقت انسانیت حریت و آزادی اندیشه است. علم آزادیبخش انسان از دست جهل و نادانی است که بزرگترین اسارت انسان است زیرا تا زمانی که انسان اسیر جهل است کرامت و شرافت اصل انسانی خود را نیز فراموش می کند بنابراین باید آزاد بود البته نه آن آزادی که آدمی را از عدالت خارج کند و ما را مطلق العنان در صحرای بدبختی رها نماید برای رهایی از این مطلق العنانی باید به دانش روی آورد و از روی بصیرت عدالت را تعریف کرد که معنی آزادی در مفهوم عدالت نیز آمده است پاره ای از قسمت های این گفتار از این قرار است.

آزادی افکار - دانش و حکمت بنیاد سعادت مندی و نیک نامی است و رهنمایی تواند کرد ما را با اینکه حصول مقصود حقیقی از این انسانها همانا حریت و آزادی افکار است و رهایی از اسیری و قیودات و سعادت خود را در دو جهان به حریت تحصیل نماید. . . زهی حریت که انسان را از حسیض پستی ها به مقامات قدس رساند خهی آزادی که ایشان را از وحشیگری برتری داده به عالم پاک انس برد. . . الحاصل دانش و آگاهی پیش از همه چیز ما را به سوی نیکی ها دعوت کند. ما را از دست جهل و نادانی آزاد کند و پس از خرابی ها معمور و آباد دارد.

پس حر باید بود و آزاد باید شد لکن نه آنچنان حریتی که ما را از جاده استقامت و اعتدال بیرون کند به سوی هواهای پست و خیالات ناقصه دعوت نماید ما را مطلق العنان در صحرای بدبختی سازد در دست خواهش های شخصانی خودما اسیر و دستگیر دارد که این حریت و آزادی نبوده بل بدترین اسارت و ذلت هاست.

کار اگر به علم و دانش باشد و از روی آگاهی و بصیرت دیده شود همان اعتدال و استقامت که آن را حاکم مطلق بر اخلاق حسنه و صفات ممدوحه دانستیم که در همین معنی آزادی نیز حاکم خواهد بود.

خوشا به حال کسی که مقام بلند آزادی را فهمیده و قدم در میدان عزت و سربلندی و افتخار گذاشته و با همه غیرت و سعادت مندی در تحصیل فضائل و کمالات جان فشانی نموده و بذروه منبع انسانیت حقیقیه ارتقا یافته به خطاب مستطاب (انت حرفی الدارین) مخاطب گردیده است این است مقام آزادی که در زبانها جاری است. «^(۷)

آزادی و حریت - در شماره بعدی خود هم با عنوان آزادی و حریت گفتاری را آورده است که بخش‌هایی از آن را می‌آوریم اختر می‌نویسد: آزادی و حریت - لفظی است که آن را به دو گونه می‌توان معنی کرد و چنانکه در دیگر اوصاف و اطوار مقرر است معنی عادلانه حقوق دانی و حق شناسی (رعایت حقوق دیگران) معنی حقیقی آزادی است که این یکی نیز از جمله اخلاق حمیده است دو طرف افراط و تفریط آن مذموم و مایه هر گونه خرابی‌ها در جهان است. یکی از اسارت و ذلت و مقهوریت غیر محقانه است که باعث ابطال حقوق و نقصان شرف و ناموس انسانی است دومی بی‌قیدی و مطلق‌العنانی و بی‌شرمی است که موجب هرج و مرج در اطوار جمعیت بشریه است.

پس آزادی را در مطلق تعبیر باید به استقامت معنی کرد آزادی را از اسباب حفظ حقوق باید دانست آزادی را از موجبات نیک بختی اقوام باید شمرد.

سخن از آزادی افکار بود بلی اگر قومی یا خود جمعیتی از روی راستی و استقامت مبنای کار خودشان را به آزادی بگذارند و به کلمه جامعه آزادی جمع شوند و نتیجه آن را سرمشق امور و منافع اجتماعیه خودشان سازند یقیناً از جمله عیب‌ها و نقصان‌ها عاری و بری خواهند بود.

درخت نیک بختی آنها علی‌الدوام تازه و طری خواهد گردید چه حریت افکار به شرط استقامت و اعتدال موجب تساوی و رعایت حقوق است و باعث حصول اعتبار و شرافت‌ها مشوق صرف زکا و غیرت است و مروج شعار ادب و انسانیت بدی‌ها را آزادی افکار محو کند و ستم‌ها را نادید نماید.

تعدیات و تحکم‌های غیر محقانه را از میان برمی‌دارد و بنیاد داد و زیاد روی‌ها را بر باد کند الحاصل آزادی و استقامت قانون عدالت حقه را به مساوات جاری کند عدالت امنیت بار آورد امنیت سعادت و نیک بختی دائمی را پایدار نماید.

قوانین که با آزادی گذاشته شده است با آزادی باید اجرا شود محاکمات علنی باشد اجرائات بدون استثنا انجام بشود هر گونه حقوقی را به طور مساوات رعایت کنند و مع ذالک مقام هر کسی معین و اعتبارات به نسبت شرافت‌ها ملحوظ گردد. این است که زیر بار آزادی رفتن کار هر اسیر قید خود را بی و گرفتار بند خود پرستی نیست مقام حریت بسی بلند و رفیع است و درجه آزادی بسیار عالی و منبع. الحاصل در این مقام همگنان از آحاد اجزای ملک و ملت را از هر طبقه و درجه که بوده باشد و وظیفه آزادی چنان است که در تمامی امور و جمله اطوار و افعال چون پای منافع عمومی و مشترکه به میان آید و فواید راجعه به هیات دولت و ملت ملحوظ گردد باید از ملاحظات شخصیه و هواهای نفسانی گذشته زبون خواهش‌های منفرد خود نشوند و اسیر خیالات منحصره به خویش نگردند. ولدی الاقتضا ضرر خود را که موجب منفعت عموم است به طور میل و اختیار

و آگاهی بر خود همواره نمایند. (۸)

چنانچه ملاحظه می شود این روزنامه حق شناسی و رعایت حقوق دیگران را آزادی دانسته است و اسارت و ذلت غیر محق را از یکسو و مطلق العنانی را از سوی دیگر خلاف آزادی اعلام کرده است. سپس نتیجه آزادی را رفع تمام نقص ها و مشکلات اجتماعی و کشت درخت نیک بختی می شمارد. آزادی اندیشه را مشروط به استقامت و اعتدال موجب تساوی و رعایت حقوق انسانی می شمارد و در نهایت ضرورت ایجاد قانون مطابق با شرایط زمان را برای حفظ آزادی و اعتدال لازم می شمارد.

طی چند شماره بعدی هم گفتارهایی پیرامون ظلم، عدالت، علم و... سخن گفته و بدون آنکه خواسته باشد نام آزادی را به میان بیاورد آن روی سکه را نگریسته است و پیوند آنها را با این موضوع بر شمرده است. نکته جالب توجه آنکه زمانی که این گفتارها را به میان آورده مصادف با ماه محرم می باشد که تمام توجه ایرانیان به سوی قیام و شهادت حضرت امام حسین (ع) که بر علیه ستم و برای آزادی بوده جلب می گردد. اما به دلیل آنکه روزنامه در سراسر کشورهای اسلامی توزیع و تا هند می رفته است رابطه این گفتارها را به طور مستقیم با قیام امام حسین (ع) آشکار نکرده است.

■ راستی و آزادی

در گفتار بعدی با عنوان راستی و آزادی پیوند این مسئله را با عدالت و آزادی بر شمرده است که قسمت هایی از این گفتار طولانی را می آوریم.

راستی و آزادی - عدل و راستی نگاه دارنده قانون هاست عدل را شناختن تالی خداشناسی است جان قانون ها عدالت است. نتیجه یاساها و شریعت ها عدل و راستکاری است... قانونی که از روی عدل و استقامت گذاشته شده و از روی عدل و استقامت استعمال بشود کفالت جمله سعادت ها و سلامت ها و شرافت ها را تواند کرد اینگونه قانون عادلانه نص ناموس اعظم است که می فرماید (مستقیم باش چنانکه مامور به آن هستی) عدل و مساوات متلازمان است همچنانکه از عدل برابری خیزد از برابری حریت زاید و این دو یعنی حریت و مساوات قانون عدالت را نگاه دارد بی مساوات و آزادی عدالت متصور نشود و قائم نگردد ثابت و دائم نباشد...

تساوی و برابری نیز در تحت قانون و استقامت حکم به حریت و آزادی نماید آزادی را نیز با استقامت و عادلانه اداره کند.

در این حال این سه عامل رستگاری به تعاون همدیگر در هر جایی که بتوانند به هم پیوند باعث استقرار حال نیک بختی و سلامت اقوام و ملت ها شوند...

بر انسانیت و شرافت انسانیت خودمان سزاوار ندانیم که بذلت و خواری زندگانی کنیم مقهور جمله ناراستی‌ها بودن را ننگ خود دانیم ناراستی و ناراستی‌ها را بشناسیم و در اصلاح آن بکوشیم در تحت بیرق عدالت و راستکاری آزاد و آزاده باشیم و در حقوق همه را برابر دیده و حق هر کسی را رعایت کنیم تا حق ما نیز رعایت گردد.^(۹)

چنانچه در گفتار بالا می‌بینیم از نظر آن روزنامه پیوند ناگستنی بین عدالت، قانون و آزادی وجود دارد که خلاصه این گفتار را در موارد زیر می‌توان بر شمرد:

- عدل حافظ قانون است

- شناخت عدل هم ردیف خداشناسی است.

- روح هر نوع قانون و شریعت و رستگاری عدالت است.

- قانون عادلانه دستور حضرت حق است.

- چنانچه از عدل برابری برمی‌خیزد از برابری آزادی ایجاد می‌گردد.

- پایداری عدالت به قانون است همچنانکه عدالت حاکم بر قوانین است قوانین و مسوولیت‌ها نیز مقیاس عدالت‌اند.

- شرافت انسانی اجازه نمی‌دهد که ما با ذلت و خواری زندگی کنیم باید در زیر پرچم عدالت و درستکاری آزاد و آزاده باشیم و در حقوق همه را برابر دیده حق هر کسی را رعایت کنیم تا حق ما نیز مراعات شود.

روزنامه اختر در اغلب سر مقاله‌های خود به هر عنوان حتی زیر عناوین اخلاقی نظیر غیرت و استقامت به موضوع عدالت و آزادی می‌پردازد و ضرورت این دورا برای تحقق آزادی انسانی لازم می‌شمارد برای نمونه در گفتاری که پیرامون - شناخت و وطن - و وظایف آن نگاشته است می‌نویسد:

«رعایت کردن قوانین عدل و امنیت بر پاداشتن حقوق متنوع از شئون وطن دوستی است. پیروی از قوانین عادلانه و آزادی و مساوات که ضرورت پیروی از قوانین است و حفظ میانه روی در امور و در تنظیم مقررات از شرایط شناخت و وطن است.»^(۱۰)

باز در گفته دیگری با عنوان - خود را گول نزنیم - بر اساس مدنی الطبع بودن انسان ضرورت تلاش همگانی برای ساختن وطن را برمی‌شمارد و در پایان می‌گوید: «در هر حال یک‌یک فرزندان وطن و نیز مجموع جامعه و وظیفه واقعی دارد که همت خود را در راستای ترقی و آبادی وطن به کار ببرد و هیچ‌کدام از افراد وطن از این قانون خارج نیست و هر یک از ایشان باید در زیر قانون آزادی اندیشه و استقامت رای و وطن پرستی به فراخور حال خود از ایفای این وظیفه پای پس نگذارد تا از خواری و مذلت امروز و فردا نجات یابد.»^(۱۱)

■ آزادی انتخابات و مطبوعات

باز در چند شماره بعد به سر مقاله‌ای دیگری با عنوان - آزادی افکار - برخورد می‌کنیم که در آن به وضع کنونی جهان پیرامون آزادی انتخابات پرداخته و در نهایت قلم را به سوی آزادی مطبوعات برده است. قسمت‌هایی از این گفتار را می‌آوریم و سپس نتیجه‌گیری خواهیم کرد:

آزادی افکار - در همه قانون نامه‌های مجالس شورا و انجمن‌های دیگر فصلی در این باب می‌نویسند که هر کسی رای خود را بدون هیچ ملاحظه و احتیاط خارجی و ترسی با آزادی بیان نماید و این قدر در این مطلب اعتنا و اهتمام دارند که جمیع قانون‌ها و احکام نظامات دولتی و مملکتی را استقرار و پایداری ندیده‌اند مگر در اینجا. همین معنی آزادی را به طور مطلق در کارها جاری نماید.

در دول متمدن این معنی را تا یک درجه پیش برده‌اند و اسبابی را که برای حصول این مقصود لازم دانسته‌اند تا توانسته‌اند فراهم آورند لکن به طوری که معلوم است درجات آزادی در هیچ جای دنیا اولا به درجه مطلوب نرسیده و ثانيا در میان آنها یعنی آزادی که در مملکت و دولتی هست فرق کلی دارد با آزادی که در دیگر مملکت باشد.

لکن این یکی را باید دانست که آزادی به شرط استقامت و اعتدال حقیقه باعث در ست شدن همه کارهاست و اسباب انتظام تمامی امور ملکی و مملکتی است.

ملاحظه باید کرد که... آزادی افکار را حتی به درجه‌ای جاری فرموده‌اند که اگر یکی از اهالی و زیردستان کار بی‌قاعده و تعدی در حق خود به بینند ماذون است بلا واسطه حال خود را به مرکز دولت عرض کند و این مطلب از شعبه‌های آزادی است و از نتایج این است که اهالی حر و آزاد هستند مملوک و اسیر مامورین جزء نیستند که هر طور بخواهند در حق آنها رفتار نمایند.

بعد از آنکه این معنی آزادی در افراد و اجزای ملک و وطنی عمومیت حاصل کرد و در کمال اعتدال و خلوص نیت هر کسی به اندازه خود و به قدری که متعلق به او است این حکم حریت را استعمال نمود آن وقت تمام سعادت حال ملک و وطن حاصل خواهد بود و ترقیات ملکی و مملکتی به درجات ترقی این آزادی بالا خواهد رفت.

آزادی افکار را تا یک درجه هم در مطبوعات باید ملاحظه کرد یعنی اوراق اخبار و جریده‌ها و روزنامه‌ها که مبین حالات و اطوار عموم اهالی است واسطه آگاهی اجزای وطن از امور اتفاقیه در اطراف وطن و خبر دهنده به آنهاست از معاملات و کارهایی که در حق آنها جاری است و مناسباتی که دائما در میان آنها باید به واسطه اطلاعات مربوط باشد.

اتهام تخدیش اذهان عمومی - در اینجا یک لفظ تخدیش اذهان هم هست که در اکثر اوقات روزنامه‌نویس‌ها می‌گویند اگر فلان چیز را بنویسیم، موجب تخدیش اذهان شود یعنی خدشه‌ها

به ذهن‌ها وارد نموده و بدین جهت از نوشتن اکثر چیزها که از فروعات آزادی مطبوعات است صرف نظر می‌کنند.

حال آنکه این روش بر خلاف اساس مطبوعات است و این نیست مگر از موازنه نکردن کارها با مقاصد معتدلانه. راست است اذهان را نباید تخدیش کرد لکن بعض مطالب و مواد را در نظرگاه عامه و حکومت سنیه باید آورد زبان‌های معتدل هر چه از کلی و جزئی دیده می‌شود به صدق نیت و خلوص عقیدت باید در صحیفه اوراق گذاشته عرض کرد.

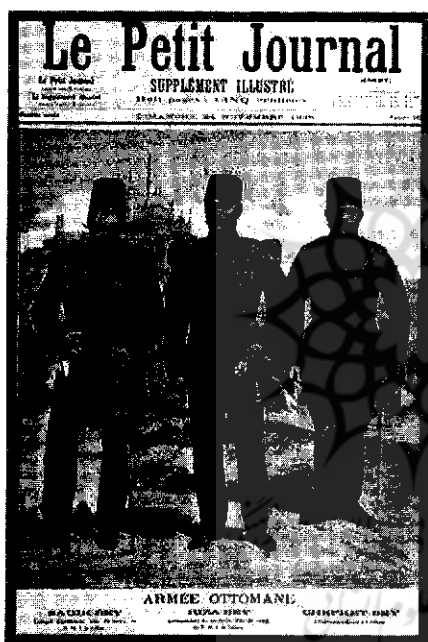
اهالی را به نیکی و اخلاق حسنه و ترک اخلاق سیئه باید دعوت کرد و این هم غالباً و منحصرأ به واسطه اخبار و حوادث یومیه می‌شود. و الحاصل وظیفه مطبوعات را یک قدری باید رعایت

کرد و این وظیفه را زیادتر از همه چیز در انتظام کلیه کارها موثر باید دانست غرض‌های شخصی را باید کنار گذاشت نتیجه کار را پیش از وقت باید فهمید و مبنای عمل را در هر حال بدان مقرر داشته کار را از پیش برد.

سخن در آزادی افکار است هر قدر اسباب پیشرفت وقت در این کار زیادتر ظاهر گردد به آن درجه نیز محسنات و منافع آن مشهود و محسوس شود. در روزنامه‌های هندوستان همیشه می‌خوانیم که از مامورین جزء و معاملات نفرت ضبطیه شکایت‌ها می‌کنند و خیلی هم سخت می‌نویسند معلوم است که این ماذونیت را حکومت به آنها داده است و این کار به هیچ وجهی باعث تخدیش ذهن کسی نمی‌شود.

مامورین جز برای محافظه حقوق رعیت و اهالی است در صورتی که خود از حد تجاوز کرد چگونه حق دیگری را حفظ خواهد کرد.

اکنون حدود کار را که ملاحظه می‌کنیم در هر حال حریت هم قانون‌ها را به طور اعتدال در موقع اجرا تواند داشت و هم حدود معاملات و رفتارها را در یک میزان مستقیمی محدود تواند نمود و علاوه بر این شرف انسانیت باقی نتواند بود مگر آزادی افکار و بقای عزت و شأن آدمی متصور نتواند شد به جز در صورت حریت معتدلانه و اساس سعادت و نیک بختی هیچ ملت و مملکتی پایدار نتواند گردید جز به پایداری آزادی خیال و حریت نیات مستقیمانه.^(۱۲)



از گفتار فوق که برخی از قسمت‌های آن را آوردیم نتایج زیر به دست می‌آید:

- قوانین مجالس و شوراها و کشورهای متمدن تمام همت خود را مصروف می‌دارند که هر کس بدون ترس رای خود را بدهد و سخن خود را بگوید.
- با این وجود آزادی در کشورهای مختلف تفاوت دارد.
- آزادی به شرط استقامت و اعتدال باعث درست شدن همه کارهاست و موجب انتظام تمام امور ملکی و مملکتی می‌گردد.
- در کشورهای متمدن آزادی افکار به جایی رسیده است که اگر به یکی از زیر دستان ظلم شد حق دارد بدون واسطه به دولت شکایت کند چون مملوک آنها نیستند که هر گونه بخواهند با آنها رفتار کنند.
- آزادی مطبوعات را نیز باید رعایت کرد.
- معمولاً به اتهام تشویش (تخدیش) اذهان عمومی مطبوعات سانسور می‌شود.
- غرض‌ها را باید کنار گذاشت و مسائل را خالصانه و صادقانه باید گفت.
- هر چه آزادی افکار بیشتر باشد پیشرفت بیشتر می‌شود.
- در هندوستان مطبوعات اجازه داشتند بالحن قاطع تمام خطای کارکنان را بنویسند این کار جلوی خطای آنها را می‌گیرد. پس مطبوعات باید رسواگر افراد خلافکار باشند.
- شرف انسانی باقی نمی‌ماند مگر با آزادی اندیشه پس انسان باید آزادی خود را حفظ کند.
- نیک بختی هیچ ملت و مملکتی پایدار نمی‌ماند جز به پایداری آزادی اندیشه و آراء مستقل.

در گفتار دیگری که به عنوان - ریاست روحانی و حکومت جسمانی - آورده است سخن از لزوم آزادی مطبوعات به میان آورده است و می‌گوید:

«به دلیل آنکه افراد مردم هم‌مشرّب و موافق و هم‌مسئول نیستند تاسیس محکمه و تنظیم قانون کافی نیست یعنی قانون به تنهایی اخلاق مردم و آداب آنها را اصلاح نمی‌کند اما چون حکومت باید تمام همت خود را در راستای تعدیل رفتار اصناف مختلف خود به کار گیرد با به کار گرفتن علما و روسای روحانی و اشخاص آگاه از یکسو و آزادی مطبوعات از سوی لازم است که این کار را انجام دهد زیرا «برای حقوق وطن‌داری، اتفاق و اتحاد و بستن راه مفاسد و معایب و تهذیب اخلاق و اكمال آزادی مطبوعات در این مواد و منتخب کردن مردم از بعضی نکات و دقائق امور و جمع کردن این ملل مختلفه» برای وحدت کشور لازم است.^(۱۳)

بندگی نامشروع، خاری اختیاری - این روزنامه در ادامه گفتار پیرامون آزادی به موضوع بردگی انسان پرداخته است و وضع زمانه خود را برابر بندگی نامشروع و ذلت دانسته است که آدمیان به دلیل جهالتی که دارند آن را برگزیده‌اند.

نویسنده برای طرح مسئله ابتدا به شرافت فطری انسان رجوع می‌کند و اینکه خداوند فرموده است «تفاوتی در آفرینش خداوند نیست» بنابراین همه انسان‌ها از نظر آفرینش یکسان‌اند و اگر تفاوتی در میان آدمیان دیده می‌شود به دلیل تفاوت در تربیت آنهاست و اینگونه استدلال می‌کند که اگر یک روستایی را از ایران به اروپا ببرند و در آنجا آموزش دهند پس از برگشتن نه تنها انگلیسی آموخته بلکه از علوم و فنون برای هموطنان خود روزه آورده‌های زیاد خواهد داشت در ادامه گفتار خود اینگونه آورده است که:

بندگی نامشروع - خاری اختیاری - ابنای جنس ما را در اصل خلقت از جهت فیض آفریننده تفاوتی نیست. می‌فرمایند (تفاوتی در آفرینش رحمانی نخواهی دید) و این سخن از قضایای مسلمه در نزد دانشمندان حقیقت شناس است و مع ذلک این یکی را هم با آشکاری مشاهده می‌کنیم که آنها را از جهت ظهور استعدادها و قابلیت‌ها تفاوتی بسیار هست که آن هم ناشی از اقتضائات وضعیه و اسباب و جهات دیگر است.

انسان‌ها که با این استعداد و شرافت در خلقت هستند و تفاوتی در آفرینش آنها نیست تعجب از این است که از هزاران یکی را نمی‌بینیم که تکلیف خود را در مقام انسانیت بشناسد و قدر استعداد خود را دانسته و آن همه کمالات معنویه و صوریه را که در نهاد اوست ظاهر و هویدا کند و حقوق انسانی را دانسته داد حق شناسی را بدهد.

جای افسوس این است که حقوق خلقت خود را نمی‌دانیم و تکالیف مخصوصه به خودمان را که هم افتخار ما باید با آن باشد به عمل نمی‌آوریم.

سهل است خودمان را با اختیار خودمان ذلیل تملقات نامشروع و برابری جنس خودمان داشته‌ایم.

والحاصل با اینکه انسان به طور کلی باید حقوق شرافت و آزادی خود را میان ابنای جنس خود به استقامت و راستی حفظ کند خود را اسیر و ذلیل تملقات بی‌جا و بی‌جهت در حق اقران و امثال خود نسازد و در حالی که سرزنش می‌کند بت پرستان را به سبب کردارهای ناشایست آنها که چرا مخلوقی را ستایش می‌کنند. خود در اعلا درجه بت پرستی واقع می‌شود اگر بت پرست یک چیزی را از مصنوعات محترم و مقدس دانسته و ستایش او را اختیار کرده است ماها هواهای نفسانی یعنی خیالات و توهمات خودمان را خدای خویش قرار داده‌ایم می‌فرمایند.

(می‌سازند آنها هواهای خودشان را خداهای خودشان)

انسان آزاد است شرافت انسانی به آزادی و دانستن حقوق آفرینش خودش است انسان را شایسته نیست خود را بی‌سبب مشروع اسیر و بنده مخلوقات سازد و به توهمات باطله خاکپای آنها بشود وقتی که به آنها می‌رسد دولا شده رکوع و سجود نماید و تکیه سخن‌ها را از بندگی و عبودیت ایشان بدارد.

این آیین و طریق نامشروع که اطراف ما را گرفته و در میان جنس شمول و شیوع یافته است همه از اثر نادانی است از جهالت است. از بی اطلاعی است که شرافت خلقت خودمان و از استعداد خودمان داریم و از پستی مقام خودمان است که راضی شده‌ایم به این زندگانی پست و هرگز به خیال ترقیات صوریه و معنویه نیفتاده و در کمال غفلت و تبلی بسر می‌بریم می‌فرمایند: (تقو باد بر شما و بر آنچه می‌پرستید)^(۱۴)

آزادی گردش اطلاعات حکومتی: این رسانه دوران ناصرالدین شاهی زیر عنوان «آگاهی ملت از معاملات مامورین» به کنکاش پیرامون ضرورت آزادی گردش اطلاعات حکومت پرداخته و لازم دانسته است که مردم باید از برنامه‌های دولت آگاهی داشته باشند نویسنده در بخشی از گفتارش آورده است که: «دولت یک مجموعه است که از چند قسمت ترکیب شده است و بیشترین قسمت آن را مردم و اهل مملکت تشکیل داده‌اند و آنچه در مملکت اجرا می‌شود و تعلق به اهالی کشور دارد پس باید به‌طور آشکار و بی‌هیچ پرده‌کشی اجرا شود. عین گفتار را می‌آوریم:

آگاهی ملت از معاملات ماموران- هیات مجموعه ملک و دولت را ملت و اهالی از اجزای مرکبه است دولت کلی است مرکب است از چند جز که بزرگ‌تر و زیادتر آن رعیت است و اهالی مملکت. معاملات که در ملک و مملکت جاری است و تعلق به احوال اهالی دارد باید به‌طور آشکار و بی‌هیچ پرده‌کشی اجرا کرده شود.

مقصود از آن معاملات که تعلق به حال مملکت دارد تدبیرهایی است که به توسط مامورین بزرگ و کوچک در مملکت به کار برده می‌شود و این مامورین اجیرهای دولت و اهالی هستند که جمله نتایج رفتار و حرکات آنها راجع به دولت و اهالی است اگر نیک است دولت و ملت از آن بهره‌مند خواهند شد و اگر ضررناک است باز آن ضرر به دولت و ملت راجع خواهد گردید.

عبارتی در میان مردم از قدیم زمان بودیم که اسرار دولت را نباید فاش کرد. باید دانست کدام سر است که از اجزای دولت باید پنهان کرده شود.

دولت چه سری دارد که ملت نباید از آن مستحضر باشند جهت این عدم استحضار چیست؟ راست است بعضی از نکات دولتی می‌شود که در بادی کار مداخلیت به حال ملت و رعیت ندارد و تکلیف هیات مجموعه هم اقتضا می‌کند پنهان داشته شود ولی در اموری که منافع و مضرات آن عاید به حال ملت و بدان واسطه در حقیقت به عموم و وطن و به هیات مجموعه دولت راجع خواهد بود هیچ کاری نباید در پرده بماند.

مردم باید مطلع باشند از اینکه وظیفه مامورها محدود است و الی در حق رعیت تا کجا حق حکومت را دارد و حد ولایت او چیست؟ حدود حکمرانی نایب‌الحکومه و متصرف‌ها که پایین‌تر از والی هستند کدام است و همچنین تا برسد به ماموریت کوچک و نفرات ضبطیه تا به پا کرد محله

و همچنین همه درجات مامورین نیز وظایف خودشان را باید محدود دانسته عدم تجاوز از آن را فریضه خود بدانند.

دولت تفصیل دخل و خرج مالیات و بده دیوانی را به زبان اهالی مملکت چاپ کرده منتشر نماید تا اینکه رعیت بدانند که وجوه ماخوذه از آنها به طور مشروع و به قاعده گرفته شد و مشروعاً و به موقع خرج می شود.

محاکمات علنی بوده در محکمه‌ها برای عموم مردم باز باشد و اجرای محاکمات را در ملا نامی کنند تا آنکه ملت بدانند سبک و رفتار محکمه‌ها در حفظ حقوق چیست؟ وضع تجارت و ادخالات و اخراجات مملکت معین گردد تا رعیت میزان توانگری خودشان را حالا و مالا بدانند و تدارک حال خودشان را کنند.

الحاصل تمامی آنچه به ملک و مملکت و حال رعیت متعلق است مشروعاً و مفصلاً باید در پیشگاه آگاهی عموم اهالی باشد سهل است همه اهل ملت را شایسته است که از مناسبات موجوده در میان اجزای وطن و روابط حاصله با ممالک مجاور بی خبر و غافل نباشند.

اهل مملکتی که اینگونه اطلاعات را دارا نباشند نه سعادت و نیک بختی آنها به درجه مطلوب بتواند رسید و نه آبادی و عمران چنانکه باید حاصل تواند شد و بدین جهت حال دولت نیز باعلا درجه انتظام نتواند رسید.

دولت‌های اروپا نیز یک وقتی در این خیالات بوده‌اند که باید کارهای حکومتی را رعیت ندانند و اسرار دولت را به اصطلاح باید فاش نکرد ولی به تدریج فهمیدند که این تصور باطل است.

ترقی ملک و آبادی مملکت و حتی دولت نیک‌بختی و وطن ممکن نیست مگر اینکه دولت و ملت یک کاسه شده حقوق و وظایف هر کدامی معین و همه مشترک آن حقوق و وظایف را رعایت و محافظت کنند. ولی تا کار را با این درجه که حالا دارند برسانند زحمت‌ها کشیده شده و خرابی‌ها دیده‌اند و انقلابات و خونریزی‌ها شده تا بالاخره تکلیف خودشان را از طرفین فهمیده‌اند. (۱۵)

■ گسترش آزادی و تدوین قانون مطبوعات

در همین شماره که سخن از گردش اطلاعات حکومت به میان آورده است در گفتار دیگری پیرامون جایگاه مطبوعات سخن به میان آورده و پیشنهاد می‌دهد که برای رعایت حقوق مطبوعات قانون آن با حضور نمایندگان از روزنامه نگاران تنظیم و بر اساس آن به شکایات رسیدگی شود به بخشی از این نوشتار دقت شود:

حکومتی که در اعلا درجه انتظام است در منتظم داشتن امر مطبوعات نیز کمال اهتمام را باید مصروف بدارد مطالبی را که یک کازت (روزنامه) منتشر می‌کند اگر آن کازت تعطیل هم بشود اثر آن مطلب بعد از او باقی خواهد بود.

از این سخن مقصود ما این نیست که در حق مطبوعات زیادتر از آنچه در ممالک و دولت‌های دیگر هست مساعدت و ماذونیت داده شود. ملت‌هایی که به واسطه تعمیم و ترقی علوم و فنون به درجه مطلوبه مدنیت رسیده‌اند آزادی مطبوعات در حق آنها اثرهای نیک بخشیده و فوائد عظیمه بر آن مترتب گردیده است ولی منتشر کردن خیالات بدخواهانه در میان اقوامی که به جهت کمی علوم و فنون مدنیت آنها ناقص است البته ثمرات بسیار بد تواند داد.

اگر چنانچه در این زمان که دست به اصلاحات زده می‌شود بر حسب ترقیات حاصله یک قدری مساعدت در خصوص دایر آزادی مطبوعات فرموده شود اعتقاد ما این است که بد موقع نبوده باشد:

اولاً نظامنامه که باید مرعی الاجرا بوده است نوشتن آن باید به عهده یک کمیسیون مخصوص محول گردد و در این کمیسیون بعضی از ارباب اطلاع و آگاهی از صاحبان کازت‌ها نیز حاضر باشند.

ثانیاً اوراق اخبار و کازت‌ها را رخصت داده شود که از مطالب متنوعه که به اداره داخلیه ممالک است و افکار و ملاحظات خیرخواهانه خودشان را بیان کنند و احوال حاضر را با حالات آتیه تا یک اندازه تطبیق و منظور داشته اعتقادات خودشان را اظهار نمایند.

مع ذلک هر کس در ضد حکومت سنییه و بدگویی در حق اشخاص جسارتی بکند به شدت مورد مواخذه و تنبیه و تادیب گردد.

اینها که در تحت یک قراری آورده شد جسم مطبوعات را حیاتی تازه داده خواهد شد به علت اینکه هر گاه آنچنان نظامنامه نوشته شود اوراق اخبار منظورات خیرخواهانه خودشان را بی مانعی عرض کرده و در حضور حکومت و وظیفه خودشان را که مکلف با آن هستند ایفا می‌نمایند.

اهالی و رعیت نیز هرگونه شکایت و دادخواهی و معروضات خودشان را به واسطه کازت‌ها مستقیماً در کمال سهولت به عرض حکومت می‌رسانند و این یکی هم در حق اهالی و رعیت و هم برای ملک و مملکت منافع کثیره را موجب گردد و مقصودی که از وجود مطبوعات بایست به عمل آید حاصل شود.^(۱۶)

۲ قانون و مجلس

ارزش و فلسفه حقوقی قانون و مجلس

اختر در دومین شماره خود سر مقاله‌ای با عنوان انسانیت و مدنیت آورده است و از دو ویژگی انسان یعنی کرامت و مدنی الطبع بودن او سخن گفته است تا آنجا که درباره کرامت انسان می‌گوید: «می‌توان گفت که مقصود حقیقی آفریننده توانای بی نیاز از خلقت این جهان به این عظمت انسان

است» و درباره ویژگی دیگر او می‌گوید: «این بنی نوع انسان که جهان را بنیان آبادی از ایشان است مدنی بالطبع هستند.»

سپس نتیجه‌گیری می‌کند که هر آنچه خلاف این دو اصل بزرگ است باید از صحنه زندگی فردی و اجتماعی حذف کرد: «نباید برخلاف مقتضیات این دو اساس بزرگ وقوع و شیوع اموری را در میان ابنای جنس خودشان جایز شمارد که مغایر به حکم انسانیت و مدنیت بوده باشد.»^(۱۷)

این نگرش یعنی شرافت انسانی و مدنی الطبع بودن او در نوشته‌های دیگر این روزنامه تکرار شده و بر اساس این دو اصل جنبه‌های مختلف انسانی از جمله نیاز به قانون و شریعت بر شمرده شده که خواهد آمد. در شماره پنجم سال اول با عنوان (مناسبات داخلی و خارجی انسان‌ها) ضرورت برقراری رابطه با تمام ملت‌ها را بر شمرده و در این گفتار اشاره می‌نماید که همانگونه که زندگانی یک شخص محتاج به مناسبت‌ها و ضوابط می‌باشد روابط خارجی نیز نیاز به مناسبت‌ها و مقرراتی مهمتر است.^(۱۸)

در شماره نهم همین سال درباره پیوند حقوق مدنی و مذهبی آورده است که «اساس دیانت‌ها حفظ حقوق و شرف ابدان (بدن‌ها) است. اگر ابدان نباشد حامل دیانت‌ها چه خواهد بود... پس محض جهالت است کسی دیانت را مغایر با مدنیت بداند.»^(۱۹)

مجلس بین‌المللی - ضرورت اولین مجلس که در روزنامه اختر از آن نام برده شده است مجلس بین‌المللی است که برای ایجاد صلح و صلاح عمومی باید ایجاد شود و موازنه آسایش مشترک را برای صلح عالم فراهم سازد و برای این کار نظامات و قوانین لازم را ایجاد و تکلیف کند.^(۲۰)

حقوق مدنی ضرورت آزادی - در شماره‌های ۱۲ و ۱۳ روزنامه گفتاری پیرامون آزادی افکار و آزادی و حریت آورده است و پس از بیان ارزش آزادی فکر و آزادی‌های مدنی ضرورت آزادی را به اینجای می‌رساند که می‌گوید:

«اگر قومی از روی راستی و استقامت مبنای کار خودشان را بر آزادی بگذارند و با کلمه [شعار آزادی جمع] و متحد شوند و نتایج آن را سرمشق امور و منافع اجتماعی خویش قرار دهند یقیناً از جمله معایب و نقصان‌ها عاری و بری خواهند بود...»

چه حریت افکار به شرط استقامت و اعتدلال موجب تساوی و رعایت حقوق است و حصول اعتبار و شرافت‌ها.^(۲۱)

در همین گفتار به ضرورت قانون پرداخته و با اشاره به وضع موجود آن زمان می‌گوید: «دولت‌ها و حکومت‌ها برای محافظه حقوق مدنیت و نگاهداری روابط افراد ملت و حصول امنیت و وطن و جلب منافع کلی و دفع بدی‌ها از جامعه و گسترش عمران و آبادی و رفع نواقص مملکت و پاسداری حال اهالی به اقتضای وقت و موقع حال و مناسب اهل و مزاج اطوار ملت، قانون‌ها

و نظام‌نامه و یاساها گذاشته و اجزای آن ملک را مدیون به حفظ و تبعیت از آن قوانین و یاساها کرده‌اند. که آن قانون‌ها هم شعبه‌ها دارد از ملکی و عسکری (نظامی) و حقوقی و جنایتی و داخلی و خارجی و مانند اینها. «^(۲۲)»

سپس برای آنکه اصحاب شریعت برانگیخته نشوند و جمع بین قوانین مدنی ایجاد شده و شریعت فاصله به وجود نیاید می‌گوید: «ماها شخصاً و نوعاً یعنی به هیات مجموعه ملت و وطن مدیون به حفظ و تبعیت قوانین و احکام مشروعه هستیم اگر چه به فداکردن نفوس و اموال خودمان باشد که این یک معنی حقیقی آزادی و حریت است.»^(۲۳)

■ مجلس سنا چیست؟

همزمان با نگارش آزادی اندیشه و آزادی‌های مدنی که به آن عنوان حریت داده است، مجلس سنارا معرفی می‌نماید. او در یادداشتی که در همین شماره آورده است چنین گفته است.

(سناتو) - عبارت سناتو در ضمن تلگراف‌های اروپا و جاهای دیگر آورده می‌شود. لفظ سناتو از لغت سنکس در لغت لاتین به معنی پیر است. مجلس سناتو در اصطلاح دولتی انجمن مشورتی است که در آنجا خصوصیات دولتی مذاکره می‌شود.



نمایندگان عثمانی در کنفرانس صلح پاریس

مجلس مذکور غالباً

هوخواهان خانواده‌های سلطنتی و نجبا و روسای قوم است. سنای مشهور سناتو (سنهدرین) نام یهودی‌ها بوده است. لغت سنهدرین از لفظ سنه در سیون که در لغت یونانی قدیم به معنی اجتماع است مأخوذ گردیده و این مجلس از هفتاد نفر اعضا بود و سه رئیس داشته است. در این مجلس موارد مهم و محاکمات بزرگ و اداره حکومت و مذهب مطرح و مذاکره و تصمیم‌گیری می‌شده است.

بعد از آن سناتوی اسپارت است که در یونانستان بوده و بیست و هشت اعضا داشته است در آن مجلس کسی که شصت سال نمی‌داشت به عضویت پذیرفته نمی‌شده است و بدون رای و قرار داد مجلس مذکور حکمران اسپارت هیچ کاری نمی‌توانستند بکنند.

اعضای این مجلس از طرف اهالی به‌طور انتخاب معین می‌شده است. بعد از اینها سناتوهای آتن

و قرتاژ بوده که اعضای آن‌ها نیز از جانب ملت به‌طور انتخاب معین می‌شدند. قرار جنگ و صلح و تاسیس نظامات و قوانین و تنظیم رسوم و مالیات را مجلس مذکور معین می‌کرده است. در فرانسه اولین سناتو که تشکیل شد در سال ۱۷۹۹ میلادی بود که هفتاد و هفت سال پیش از این باشد. کار این مجلس اجرای نظامات و قوانین موضوعه حکومت بوده و اعضای آن نیز از جانب اهالی منتخب می‌شده‌اند.

سناتوی دیگر در سال ۱۸۵۲ در زمان امپراتور ناپلئون سیم تشکیل شده است. اعضای این سناتو را امپراتور خودش معین می‌کرده است و تمامی اعضای آنجا کاردینال و مارشال و امیران و پرنس بوده و عدد اعضا از یکصد و پنجاه کس زیادتر نبودند و معزول هم نمی‌شدند. . . .

سناتویی که الان در فرانسه می‌خواهند برقرار نمایند از جانب عموم ملت فرانسه و کلایی انتخاب شده است که آنها و کلای انتخاب هستند و اعضای مجلس مذکور را آنها انتخاب کرده‌اند. این است که در تلگراف‌هایی که این روزها می‌رسد سخن از انتخاب‌های مذکور در میان است. . . . (۲۴)

■ ظلم و ستمکاری

حق و حقوق چیست؟

در گفتار پیرامون ظلم و ستمکاری که در مقابل عدل و حکمت دانسته و موجب نابود شدن تمام خوبی‌هایی می‌گردد این پرسش را مطرح می‌نماید که حق در حال حاضر چیست؟ و چگونه باید آن را بدست آورد و چه اسبابی نیاز است تا بتوان به حفظ آن حقوق پرداخت تا در هیچ مقامی کرامت و شرافت خلقت خود و بلندی مقام آفرینش خود را از دست ندهیم. (۲۵)

بدیهی است که این نوع پرسش‌ها در آن روزها می‌توانست جرقه‌ای برای اندیشیدن گشته و راه‌های روشنایی را نسبت به موضوع قانون بگشاید. جالب است که در شماره‌های بعدی این روزنامه سر مقاله خود را به «قانون‌ها و شریعت‌ها» اختصاص داده است و به‌طور مستقیم موضوع قانون و همناوی آن را با شریعت در دو شماره به‌گفت و گو گذاشته است. قسمت‌هایی از این گفتار را می‌آوریم:

■ قانون‌ها و شریعت‌ها

قوت به اتفاق و اتحاد حاصل شود. ضعف و سستی از نفاق و اختلاف خیزد. انسان مدنی بالطبع است. اخلاق نیک انسان‌ها را طبیعی است. مدنیت با اخلاق نیک از طبیعت اصلی جدا نیست. همین که اخلاق رذیله (پست) و صفات (زشت) در میان قومی شایع شد آنها از حاصل کردن و نگاهداشتن حکم مدنیت محروم خواهند ماند. اینها کلیات سخن‌هاست که در هر مقامی فراخور خود جاری خواهد بود. . . .

این است که خردمندان و حکیمان و دانشمندان آنها می‌که مظهر تاییدات معنوی و غیبی بوده‌اند. . . .

در هر قرن و زمانی به اقتضای آن زمان و موافق حال آن اهل و آن ملک و آن مناسبات گوناگون که داشته‌اند. . . تدابیر لازم و مقتضی را به کار برده و اساس‌های چند در این کار نهاده‌اند. این تدابیر و اساس‌ها را به قوانین و شرایع و نوامیس و نظامات و یاساها و آداب و اخلاق و غیر اینها به هر لغت و زبانی که باشد تعبیرها آورده شده است.

این قوانین و شریعت‌ها یا خود آداب و اخلاق را حاکم بر اقوام و جمعیت‌ها کرده‌اند و عموم اهالی را گفته‌اند که حاکم بر شما و بر زندگانی شما امنیت و سعادت و شرف و افتخار شما، اطاعت به این قوانین عادلانه است. . .

چون این حال را به طور یقین فهمیده و بنای کار خودمان را بر این گذاشتیم که جمعیت‌ها و وطن‌های ما مسعود و خوشبخت نخواهد شد و شرف و افتخاری حاصل نتواند کرد. مگر به اتباع قوانین و نظامات عادلانه و اطاعات حافظان آنها. این یکی را هم از روی کمال و آگاهی باید بدانیم که آحاد و افراد ملت و وطن و جمعیت هم گذشته از وظیفه لازمه اتباع و اطاعت مذکور تکلیف دیگری هم خودشان در محافظت قوانین و شریعت‌ها دارند که یک‌یکان مدیون به این هستند که اهتمام کنند در اینکه تعمیم داده شود حکم اتباع قوانین در میان جمله آنها، که این هم از متفرعات همان (امر به معروف و نهی از منکر) است.

رعایت قوانین و شریعت‌ها و حفظ احکام آنها همچنان که نوعاً و کلیاً وظیفه هیات دولت و حکومت است فرداً و عیناً فریضه ذمت عموم اهالی است. این است که محکمه‌های قضائی را همه آزاد کرده‌اند هر کس بخواهد در آنجا حاضر شده استماع و مشاهده صورت جریان محاکمه‌ها را خواهد کرد و این هم نیست مگر برای اثبات همان حق که افراد را در محافظه قانون‌ها هست. (۲۶)

■ قانون باید مقتضی زمان باشد

این روزنامه با پرداختن به دانش مدنی آورده است که:

علم سیاست مدن - سیاست مدن علم شریف و از شعبه‌های بزرگ حکمت است و معنی آن نگهبانی امور و پرستاری شهرهاست. چه سیاست به معنی پرستاری و محافظت و تدبیر امور است و مدن جمع مدینه که مطلق شهر است. ولی مقصود از شهر دیوارهای شهر نیست بلکه هیات اجتماعیه انسان‌ها منظور است. باری حال باید احتیاج وقت را ملاحظه کرده فکر مال کار خود را نمایم. چنانچه در مقاله دیروزی عنوان داشتیم که سعادت و نیک بختی ما تنها بگذاشته شدن قوانین عادلانه و اجرای آن قوانین به‌طور مساوات و متفق شدن عموم ابنای وطن در حفظ آن قوانین است و بس. این قوانین چیست؟ راست است مجملی از کلیات این مطلب را باید فهمید و . . . (۲۷) - (ادامه خواهد آمد).

پس از دو گفتار فوق روزنامه باز به موضوع آزادی برگشت نموده و سر مقاله شماره بعدی را با

عنوان «راستی و آزادی» آورده است ولی وجود عدل و آزادی را منوط و مشروط به وجود قانون دانسته است با این وجود اصل حاکمیت را مقدس دانسته و با این گفتار بر ایجاد ذهن آناشستی خط بطلان کشیده و می گوید: مقام حکومت مقدس است (اما مشروطه یا استبدادی؟) در گفتاری با عنوان مقام حکومت مقدس است ضرورت وجود حکومت را بر می شمارد اما در نوع استبدادی آنکه در شرق متداول است تردید به وجود می آورد. بخشی از این گفتار از این قرار است:

اجتماعات بشریه را لزوم تبعیت و انقیاد بر یک مرکز اداره از مسلمات امور است. هر جمعیت و گروهی که یکجا جمع شده و می خواهند زیست و زندگانی کنند ناچار از این هستند که یک مرکز اطاعتی برای خودشان داشته باشند.

این مرکز اطاعت را به اصطلاح خودمان پادشاه یا هیات مجموعه اجزای حکومت و ارگان و اولیای امور دولت می گوئیم یا آنکه قوانین و نظامات و انجمن های مقرر در میان دولت ها را مرکز اطاعت می شماریم. فرقی که در این میان دیده می شود این است. که بعضی از آنها یعنی از دولتمدنه یا ریاست کلیه هیات اجتماعی را رئیس و مروسا بنام یک پادشاه صاحب قدرت و عظمتی خوانده و او را بلا شرط حکمران مطلق در ملک و مملکت می دانند یا آنکه وظایف سلطنت را مشروطا در عهده او مقرر می شمارند. اکثر دولت ها و حکومت های ممالک شرقیه حکومت غیر مشروطه یا خود نیم مشروطه است و حاکم مطلق همانا پادشاهان و امپراتورها و بعد از ایشان امر او خنان هستند که مستقلا در ممالک خودشان حکمرانی می کنند.

والحاصل سعادت و نیک بختی حال هر جمعیتی به طور تسلسل بسته به حسن اداره و اهلیت و استقامت مباشرین و مامورین جزء است که انتخاب آنها و دستور العمل آنها و مشوار و رفتار آنها تماما مربوط به حسن نیت و حسن انتخاب و حسن استعمال و وظیفه ربانیه است که در دست اولیای امور می باشد. (۲۸)

قانون گفتمان فراگیر - نویسنده یا نویسندگان روزنامه اختر موضوع حقوق - قانون و مجلس را در هر گفتمانی مطرح نموده اند و آن را به طور فراگیر یاد آور شده اند.

برای نمونه در گفتاری پیرامون حب وطن سخن از حقوق وطن به میان آورده است. (۲۹) و در شماره بعدی اضافه می کند که باید احکام و قوانین جوامع گوناگون را مطالعه کرد تا به دانستن حقوق خود برسیم و نتیجه گیری می کند که رعایت قوانین عادلانه و آزادی و مساوات که ملازم تبعیت قوانین و حفظ اعتدال قوانین و نظامات، شرطی از شروط وطن شناسی است. (۳۰)

حتی در گفتاری که پیرامون خصلت غیرت دارد آورده است که:

غیرت تعیین کننده حدود حقوق اشخاص و جمعیت هاست. (۳۱)

در ادامه گفتار درباره وطن نتیجه گیری می کند که نخستین وظیفه فرزندان وطن دانستن حقوق

وطن است و قیام به لوازمی که موجب شناختن این حقوق می‌گردد. تمام اجزاء وطن به اندازه‌ای که به آنها تعلق دارد اقسام و اشکال مختلف حقوق وطن را بشناسند و بفهمند چه حقوق و لوازمی حقوقی و حفظ و رعایت آن همه بستگی به یکدیگر دارند.

سپس نقش یک زارع را در کشور در دو حالت جاهل و عالم به حقوق خود مطرح می‌کند و تفاوت آن را در دو حالت فردی و اجتماعی برمی‌شمارد.^(۳۲)

اشتراک حقوق - در گفتاری دیگر این روزنامه به این مطلب پرداخته است که حقوق و قانون بین افراد جامعه مشترک است و همه در آن سهیم‌اند سپس به ضرورت نهادهایی آزاد که زمینه اجرای قانون را فراهم می‌سازند اشاره کرده و می‌گوید:

قانون پاک اسلام - . . . اقسام شریعت‌ها و قانون‌ها که در اطراف جهان از کهنه و تازه و قدیم و حدیث گذاشته شده و معمول گردیده است. غالباً به نیت‌های خالص و پاک و رعایت عدل و حقانیت گذاشته شده است. ولی چون اغلب اصلاً جامع و کافی نبوده است و بعضی هم به مرور یعنی به تغییر زمان و اهالی از درجه کفایت بازمانده و برخی دیگر قواعد کلیه موسس قانون را نتوانسته‌اند وسعت داده و در هر مقامی و در حق هر اهل و زمانی موافق حال استعمال نمایند. این است که قانون جامع و تمامی در ظاهر به نظر نمی‌آید. . . گر چه ابتدا لازم است از اوضاع قانون‌های دیگر تفصیلی نوشته و بعد از آن بیان مطلب را در این باب نماییم.

و الحاصل شریعت‌ها و قانون‌ها را باید به نظر آورده و شعبه‌های آنها را بدانیم و درجه آنها را نیز دانسته و موازنه کنیم با احکام شریعت و قانون اسلام. ولی نمی‌دانم این موازنه را چه طور بکنیم و چگونه بفهمیم که داخل و خارج و غریب و بومی و دوست و بیگانه تحسین و آفرین گویند نه اینکه بدون دلیل و برهان و بدون آگاهی از هیچ کدام از اوضاع طرفین بگوییم که بلی قانون‌های اسلام بهترین قانون‌هاست و قانون‌های دیگر همه معیوب و ناقص‌اند و یا آنکه مضر به حال مدنیت‌هاست. پس باید علم آموخت و همه قوانین و آداب را فهمید و نکات را تماماً منظور داشته و موازنه کرد تا آنکه ممکن بشود آدمی در مقام مقابله و موازنه از عهده کار برآید و سخنی که می‌گوید قوت او را همچنان که خود می‌داند به دیگران نیز حال کند و گرنه بی‌علم و آگاهی به تعصبات جاهلانه سخن گفتن جز از مصوبات ثمری نتواند داد.^(۳۳)

حقوق - شریعت‌ها

این مطلب مسلم است که رفع احتیاجات ابنای بشر به‌طور تعاون و تناصر است و هر قدرت اسباب معاونات در میان آنها فراهم‌تر باشد. مقصود رفع احتیاجات آنها به همان نسبت آسان‌تر و بهتر حاصل گردد. . . به ملاحظه این حالات و انتظام امور تمدن و اجتماع‌ها و ترتیب اسباب آسایش نوع بشر و سد راه سوء استعمالات اسباب مدافعات این غضب و شهوت و سایر مصادمات

و اختلافات که در مقام رفع احتیاجات حاصل می شود.

حدود و اندازه‌ها قرار داده و حقوقی برای هر کدام معین و بنام حقوق دیگر هم بنام قوانین و یاساها در داخله ممالک و مجمع‌های مردم ترتیب داده‌اند و از اینجا معلوم می شود که اگر شرایع و قوانین و نظامات عادلانه این حدود و حقوق را معین نکرده باشد و رعایت و حفظ آن حقوق را الزم و اهم امورند این هم نظم کلیه کارها مختل و هرج و مرج عظیمی در اطراف عالم ظاهر گردد. . . پس مبنای وضع شرایع و قوانین از آنچه اجمالاً یادآوری کردیم معلوم شد و از این قرار باید بدانیم که هر قدر قانون‌ها و شریعت‌ها تمام‌تر و کافی‌تر باشد به همان نسبت حدود و حقوق تکالیف افراد و آحاد ناس و همچنین مجمع‌های ایشان نیز محفوظ‌تر و اسباب سعادت و نیک‌بختی ایشان داخل و خارجاً فراهم‌تر خواهد بود. (۳۴)

آگاهی حق ملت است

از نظر روزنامه اختر آگاهی از تمام امور جامعه حق ملت است در گفتار زیر دقت شود شعبه‌های اشتراک حقوق - در ممالک فرنگستان محکمه‌ها را آزاد کرده‌اند و مطبوعات هم آزاد است هر چه هم در محاکم اتفاق می افتد در روزنامه‌ها به تفصیل نوشته و منتشر می کنند که اگر حیف و میلی در آن کار ظاهر و کسی سخنی داشته باشد به واسطه روزنامه‌ها مستقیماً و با کمال راستی و درستی آن را به عرض عموم اهل وطن برساند تا هر کسی اندازه کار را بداند. دخل و خرج دولت را همه ساله پیش از وقت نیز معین کرده و بنام بودجه منتشر می نمایند و مانند اینها از کارهایی که همه بر اساس اشتراک حقوق مبتنی است. واردات و مخارج دولتی معین و میزان عمل معلوم می گردد و جاهای مداخل و مخارج هم به نظر عموم اهالی آورده می شود، چرا؟ به علت اینکه دولت و ملت که گفته می شود از همدیگر جدا نیست. ملت و اهالی اجزای مرکب دولت و وطن هستند در هر یک دینار آن دخلا و خرجا هر کدام از اجزای وطن و مملکت یک نوع اشتراک را دارد.

پس ملت حق دارد از وضع تمامی بودجه و مفردات دخل و خرج سالیانه یک دولت و مملکت آگاهی حاصل نماید. همچنین است کار مصارف و اخراجات داخلی و خارجی خواه این اخراجات به جهت تعمیم عموم و معارف و تسویه طرق تسهیل اسباب نقلیه که وسائط آبادی مملکت است باشد و خواه برای دیگر اجزای کار و آماده داشتن قوت‌های لازمه برای حفظ وطن یا اینکه تمهید اسباب حفظ حقوق و تأمین مال و جان و ناموس اهالی و غیر ذلک بوده باشد. همه اینها نیست مگر برای اهالی و تبعه و ترفیه حال و تأمین آسایش آنها که تماماً اولاد آن وطن هستند و در حقوق وطن مشترک می باشند. این است جان همان اساس که ناموس اعظم انتظام گذاشته و بیان می فرمایند: «کار ایشان به مصلحت بینی در میان خودشان است» به عقل کل و مدینه علم و محض

تعلیم به دیگران خطاب می‌فرمایند: «مشاوره کن با ایشان در کل» که ضمیر ایشان در اینجا به کافه ناس راجع است نه اشخاص معدودی که حضور داشتند . . .

امر به معرف و نهی از منکر تنها به سخن نیست. چون تو و من راست شویم چهار دیگر از من و تو معروف آموزند و قباح منکر را فهمیده احتراز نمایند. والحاصل اینها از فروغ شعبه‌های اشتراک حقوق است در این کار خیلی صرف دقت نظر کرده و خود و مقام خود و وظیفه خود را دانسته و ملزومات آن را در عهده خود شناسیم. (۳۵)

■ ملاک تعیین قوانین

اختر ملاک حقوق افراد و جامعه را خود انسان می‌داند و در زیر عنوان علم و ادب آورده است. علم و ادب - حقوقی که رعایت و حفظ آن مدار سلامت و سعادت انسان‌هاست نوعاً چگونه معین تواند شد؟ . . . بر حسب فطرت راه فهمیدن اینگونه اسباب لازمه زندگانی و نیک بختی نیز برای ما به‌طور وضوح و آشکاری باز است.

اگر چنانچه طفلی را در بیرون از میان جمعیت بشریه که تصادم احتیاج و اعوجاج و عرض‌ها و غرض‌ها آنها را در حال اعتدال فطری باقی نگذاشته است یا استقامت تربیت و بزرگ کرده باشیم و یکان یکان حقوق و اطوار حقوق را و کردارهای نیک و بد را به‌طور تقابل بر او عرضه کرد و در مد نظر تحقیق او که صاف و سازج و غیر مغشوش است بیاوریم یقیناً از روی راستی و مطابق واقع در همه آنها سخن خواهد گفت.

میزان چیست؟

این میزان خود آدمی است چنانچه هر کاری و هر گونه معامله که پیش می‌گیرد چه در حق خود و چه درباره دیگری. مبنای کار را بر این بگذارد که وقوع و صدور آن کار را از کسی دیگر تصور کند و از دیگری در حق خود فرض و تقدیر نماید و نظر منصفانه خود را در این باب حکم و حاکم داند و اندازه نیکی و بدی و مقیاس حدود حقوق و لزوم رعایت آن را در دست داشته باشد. پس میزان تعیین حقوق و رعایت آن و نتیجه این حقوق شناسی که اساس استقامت و راستکاری است. منحصر به این است که آدمی آنچه را در حق خود روا و جائز می‌داند مانند آن را درباره ابنای جنس خود . . . این حال معتدل را که میزان حقوق دانی و لوازم آن است (ادب) گویند و چون در اطوار و اخلاق کسی ظاهر گردد آن را مودب و مهذب نامند و گرنه بی‌ادب و بد کردارش خوانند. (۳۶)

■ اشتراک حقوق و نیاز به قانون

در بسیاری از نوشته‌های اختر به ضرورت قانون و اجرای درست و همگانی آن اشاره دارد در این گفتار طولانی که قسمتی از آن را می‌آوریم در این باره به جد تلاش دارد تفهیم کند که بدون این فرآیند بشر روی سعادت نمی‌بیند او در این باره گفته است:

اشتراک حقوق - حقوق به نسبت ارتباط در میان انسان‌ها مشترک است. رعایت و حفظ این حقوق فرض عمومی و مشترک آنهاست ایفای این فرض را به کفالت متسلسله ضامن هستند. انسان‌ها باید به جمعیت زندگانی کنند، چرا؟ به علت اینکه به تنهایی احتیاجات خود را رفع نتوانند کرد. . . .

این مصادمات و تضاد افکار و اختلافاتی که در میان اجزا و افراد جمعیت است جهت‌های مختلف دارد که بعضی به جهت امور زندگانی تنها است و برخی دیگر از مقتضیات و لوازم صفات بشریه است یا خودنیت تفوق و برتری جستن بر ابنای جنس که در اینجاها هم سخن‌ها و شعبه‌ها در کار هست. . . .

برای تعلق حدود معاملات انسان‌ها و انتظام امر مناسبات و رفع معائب مصادمات باید نام‌ها و حدود و اندازه‌های معین برای هر چیزی گذاشته شود.

این نام و حدود و اندازه اطوار معاملات و مناسبات را حقوق می‌گوییم که این حقوق حدود حرکت و رفتار نوع بشر است و با اختلاف اشخاص و انواع و جابه‌جا مختلف می‌شود و مع ذلک همه حقوق است و همه را باید رعایت کرد و همه را باید حفظ کرد. . . .

یعنی جمع قوانین و یاساها و نظامات و قوت‌ها و اداره‌ها و اصول و فروع اینها را یک جهت ربط و تعلق به کمترین فرد و حقیرترین جزء آن جمعیت هست.

از جزئیات به کلیات باید پی برد. محاکم و دیوان‌خانه‌ها را در مملکت‌هایی که نظم و آزادی هست چرا آزاد کرده‌اند که هر کس بخواهد در آنجا حاضر شده استماع نماید؟ مطبوعات را چرا آزاد نموده‌اند؟ برای همان ملاحظه است که گفتیم زیرا که حقوق مشترک است و رعایت حقوق و حفظ آن به کفالت متسلسله قرض تمامی ابنای وطن است. ظلم و اعتساف و کار بر خلاف عدل و انصاف که در حق زید جاری گردید و در حق عموم ملت و وطن جاری شده است.

محکمه که در حق زید بر خلاف حقانیت رفتار کرد در حق جمله ابنای وطن و اصحاب حقوق نیز روا خواهد داشت. کسی که یک نفس را به قتل رسانید در حق عموم ابنای جنس سوء قصد کرده و یک اهانت و تحقیر بزرگی به نام انسانیت نموده است. (۳۷)

■ راستی و عدالت

درباره پیوند این دو مفهوم انسانی آورده است: عدل و راستی نگاه دارنده قانون‌هاست. عدل را دانستن تالی خداشناسی است. حکم عدل در جمله کارها مستقیماً جاری می‌شود. جان قانون‌ها عدالت است. نتیجه یاساها و شریعت‌ها عدل و راستکاری است.

اساس قانون‌ها عدالت است. پایداری عدالت به قانون‌هاست قانونی که مستقیم باشد و به استقامت و راستی به کار برده شود آن قانون حق و در تحت احکام شریعت حق است. احکام

شریعتی که به استقامت و اعتدال حقیقیه گذاشته شده است هر گاه سوءاستعمال در آن به کار برده شود و اغراض شخصی داخل در اجرائات آن گردد آنگونه احکام شرعی از موضوع له خود بیرون رفته از شارع راستی انحراف جوید. اکنون اگر عدالت را حکم کنیم یعنی او را بر خود حاکم دانیم چگونه حکم خواهد کرد؟ و مقیاس معاملات ما را در این مورد چه قرار خواهد داد؟

سزاوار ندانیم که به ذلت و خواری زندگانی کنیم. مقهور جمله ناراستی ها بودن را ننگ خود دانیم. ناراستی و ناراستها را بشناسیم و در اصلاح آن کوشیم در تحت بیرق عدالت و راستکاری، آزاد و آزاده باشیم و در حقوق جمله برابری دیده و حق هر کس را رعایت کنیم تا حق ما نیز مرعی گردد تا داد انسانیّت و آدمیت داده شود. (۳۸)

■ قانون - شریعت

روزنامه اختر قانون و شریعت را در یک راستا دیده است و می گوید: حاکم مطلق در عالم مدنیت، جز شریعت و قانون عادلانه چیز دیگری نیست. شریعت و قانون دو عبارات است که معنی آنها را باید بدانیم و حکم آنها را در هر جایی به طوری که اقتضا کند مجری بداریم. شریعت در لغت عرب راه راست آشکارا گویند؛ یعنی طرق مستقیم و واضح و در اصطلاح خاص به مناسبت معنی لغوی شریعت احکام مقررهای است که مشتمل بر اوامر و نواهی است. قانون در لغت مقیاس هر چیزی را گویند که به آن قیاس و اندازه هر چیزی معلوم گردد و گفته اند این لفظ اصلا سریانی است.

شریعت که به اصطلاح خاص احکام و اوامر و سنن و آداب مقررهای از جانب شارع مقدس را گفته می شود اطوار و شئون چند دارد که شماره آن اکنون لازم نیست. مگر همین قدر که شعبه از آن به معاملات متعلق است و شعبه دیگر به عبادات که هر کدام نیز شعبه های چند دارد و چیزی که بعضی ناقصان را در این مقامات در مقام انجماد ذهن نگاه داشته و ساری و جاری کرده اند اثرهای افکار قاصره خودشان را در جهان اسلامیت و در نظرهای بیگانگان جلوه نداده اند اطوار اسلام و شریعت اسلامی را مگر به طورهای وحشتناک و میانیت با قواعد مدنیت و انسانیت که این یکی حقیقه جای افسوس است و از کارهایی است که اسلام را مایه تحسر و تأسف تواند بود.

ملاحظه نکردن معنی حقیقی و روح اسلامیت است بدین واسطه یعنی به علت همین بی ملاحظه گی چه قدرها و هن و اختلاف در ارکان عالم ظاهر گردیده است و همچنان فهمیده اند و فهمانده اند که اسلام آنچه انان است که خود آن می بینند.

حال آنکه از حقایق و دقایق آن و از بطون و معنویت آن و از ارواح و معانی آن هرگز بویی نبرده و احکام را هم به جز آنچه در دست کوتاه ایشان است و موافق افهام ناقصه آنها است. به طورهای دیگر منشعب و توسعه نوانسته اند بکنند و از آن طرف هم جاهلی از آنها به محض اینکه می شنود در امری از امور متعلقه به مناسبات بشریه و مدنیه یا خود در ضمن مصالح مقتضیه بر حسب حال

اهل و زمان و موقع از روی تطبیق به اصول کلیه اسلام و قانونی یا خود نظامی گذاشته می شود فوراً می گوید این قانون گذاشتن یا آنکه این قانون موضوع مغایر اسلام و منافی با شریعت اسلام است . حال آنکه اگر کسی از این خاک بسر شده سوال کند که ترا که حاکم و حکم در این مقام قرارداد و از روی کدام علم و اطلاع این سخن را می گویی؟ جوابی که تواند گفت گویا با غیر از هواهای نفسانی چیز دیگر را سبب اصلی در این مورد نتواند آورد .

احکام عبادات اسلام محدود است و جهات تعلق آن نیز غالباً غیر متغیر که این یکی چنانکه در یکی از مقاله های پیش تشریح کرده شد متعلق با مورد آتیه و شخصیه است و سخن گفتن از آن را در اینجا لزومی نیست ولی مناسبات خارجی و معاملاتی که با دیگران داریم . محسوس و مشاهد است که اختلاف حاصل می کند و دقیقه به دقیقه و آن به آن تغییر می پذیرد و واضح است که احکام تابع بر موضوعات است و در این صورت جز اینکه اساس دیگر و روش و اسلوبی جداگانه در وقایت حدود معاملات هیات اسلامی و کسانی که در حمایت این هیات هستند در دست باشد .

چاره دیگر نیست که این اساس و اسلوب را نیز قانون ها و نظامات و یاساها و دستورها نام نهاده می شود که این قوانین و یاساها نیز نه مغایر با شریعت است و نه در بیرون شارع شریعت مقدسه ، بلکه محض شریعت است حافظ شریعت است کمال شریعت است و شرف و ناموس شریعت است . (۳۹)

گسترش فرهنگ قانون گرایی با نشر قوانین

انتشار مجموعه قوانین که روزنامه اختر به آن عنوان نظام نامه داده حرکت دیگری است که این رسانه پی در پی ادامه داده است تا با این کار فرهنگ قانون شناسی را افزایش دهد . نویسنده اختر به طور مکرر از قانون شناسی سخن به میان آورده است که انتشار این نظام نامه ها می توانست به این هدف تحقق بخشد . ما برای نمونه به چند مورد از این نظام نامه ها اشاره می کنیم تا روشن شود که در آن شرایط تاریخ این قوانین چگونه می توانست آگاهی بخش باشد :

۱- قانون یا نظامنامه وکالت - در زمانی که در ایران وکالت مفهوم درستی نداشت روزنامه اختر قانون وکالت دولت عثمانی را به طور کامل منتشر نموده است این قانون شامل چهل ماده اصلی و یک بخش الحاقی است که طی ۵ شماره از روزنامه آمده است خبر مقدماتی روزنامه را همراه با دو ، سه ماده از این نظامنامه را می آوریم :

به جهت اصلاح و منظم داشتن احوال کسانی که در محکمه های نظامیه و کیل دعوا و مراعات می شوند در دایره احکام عدلیه کمیسیونی تشکیل شده و کیل ها را یکان یکان در آنجا امتحان کرده . کسانی که قابلیت وکالت را نداشته و مناسب نبوده اند از میان آنها اخراج شده و باقی دیگر را

اجازه وکالت داده، شهادتنامه‌های موقتی به دست آنها داده و نیز به جهت اینکه در معاملات جاریه در میان وکیل‌ها و اصحاب دعوی به خیال تحصیل منفعت نامشروع و احوالی که مغایر حقانیت است واقع نشود یک نظامنامه نوشته شده و برای تعیین اجرت‌هایی که باید بگیرند تعرفه جداگانه تهیه گردد.

ماده دوم: کسانی که در محاکم نظامیه وکالت دعوی می‌کنند اولاً: باید در مکتب حقوق تحصیل کرده و پس از امتحان تصدیق‌نامه رسمی گرفته باشند.

اگر چنانچه کسی تحصیل علم حقوقی را در خارج کرده باشد در مکتب حقوق اثبات معلومات خود را نموده شهادتنامه خود را باید به تصدیق برساند.

ثانیا: باید بیست و یکسال داشته باشد.

ثالثا: باید ماموریت دولتی نداشته باشد.

رابعاً: به مجازات محکوم نشده و جزاندریده باشد.

خامساً: از سلک تجار و صرافانی نباشد که مفلس و ورشکست شده باشد یا اینکه بعد از افلاس اعاده اعتبار خود را قانوناً نموده باشد.

ماده سوم: کسانی که بعد از تحصیل لیاقت و شایستگی و حائز بودن بر صفات و معلومات مذکور خواسته باشند داخل در سلک وکالت گردند لازم است آنها را که یک لایحه به کمیسیون که در دایر نظارت جلیله احکام عدلیه است داده و در آنجا شرح حال خودشان و منشا و مسلک خودشان را درج کرده و نام خود را در جدولی که قرار داده خواهد شد قید نمایند و از روی قاعده مخصوصه رخصتنامه نظارت را که با نمره و ممهور باشد استحصالی نماید. . . .

این قانون زیاد است که دو ماده آن آورده شد. (۴۰)

۲- نظامنامه پستخانه ایران- این روزنامه هر قدم اصلاحی در ایران را نیز استقبال کرده و تنها به چاپ نظامنامه‌های خارجی نپرداخته است بلکه مقررات داخلی را نیز منتشر نموده است. چنانچه نظامنامه پستخانه ایران را در چند شماره به چاپ رسانده است. (۴۱)

نادیده نباید گرفت که نظامنامه‌های ایران نسبت به آنچه از عثمانی یا کشورهای اروپایی آمده است از سطح و کیفیت پایین تری برخوردار بوده است با این وجود در ایجاد روان قانون‌گرایی ایرانیان می‌توانست اثر مثبت داشته باشد.

۳- نظامنامه والیان (استانداران و فرمانداران و مدیران عثمانی)

این قانون که اختیارات والیان را محدود و ساماندهی می‌کند از طرف دولت عثمانی به ولایات خودشان ابلاغ می‌شود و روزنامه اختر آن را منتشر می‌کند.

وقتی در نظر آوریم که این قوانین در زمانی در کشور همسایه صادر می‌شود که والیان ایران نظیر

ظل السلطان در اصفهان از اختیارات مطلق برخوردار و مردم را به زیر یوغ ستم ذلیل کرده بودند به این خاطر برای مردم ایران می توانست خیلی جالب باشد.

این قانون نیز دارای ۵ فصل و ۴۰ ماده می باشد که طی ۵ شماره از روزنامه آمده است.

این روزنامه در مقدمه درج این نظامنامه آورده است. - به جهت معلوم کردن درجات و ظایفی که از احکام منیفه فرمان عالی عدالت به مامورین متعلق می باشد و اسباب و کیفیات حسن رفتار و حرکات مامورین را در اقام متنوعه اداره های ملکی حاوی باشد یک تعلیمات عمومی نوشته شده و برای اجرای اقتضای آن اراده سنیه حضرت شاهنشاهی شرف عرض و صدور یافته است.

اینک از آن تعلیمات یک نسخه نیز ایفا به سوی جناب وزارت مآب فرستاده شد مضمون این تعلیمات به اعتبار وظیفه اصلاحیه و وظیفه دائمه به دو قسم منقسم می باشد و از یک طرف درجه مآذونیت و اختیار والی ها و متصرف ها و قائم مقام ها و از طرف دیگر هم مراتب مسوولیت های ایشان تحدید و تعیین شده است.

این یکی محتاج تفصیل و تکرار نیست که اعظم و اهم وظایف حکومت کیفیت محافظت حقوق عامه اهالی است و برای حاصل شدن این مقصود در حق ممالک و تبعه ملوکانه است و کمال سعادت حال آنها باید به طور مطلق در اجرائات احکام مندرجه فرمان عالی مامورین همه همدست شده و به خلوص عقیدت و مستقیمانه در این باب سعی و اقدام کنند و هر کسی آرزو می کند اثر آن را مشاهده کند و ببینند که در روی کاغذها نمانده و در زیر نمد و عده ها ترک نشده و آنها را در مقام اجرا ببینند و امنیت و خاطر جمعی حاصل کنند که دائماً مجرا خواهد گردید.

حتی به همین ملاحظه و مقصد است که در مرکز دولت مجلس عالی اجرائات تشکیل شده و برای تفتیش و تحقیق یک هیات مخصوصه نیز معین گردید و مقرر شد که در مقام احتیاج و لزوم هر کس از افراد اهالی مآذون باشند به در خانه دولت عرض حال بفرستند و اگر از جانب حکومت یک کار بی قاعده اتفاق بیفتد به مجلس اداره اختیار داده شد که مستقیمانه تحقیقات لازم را به کار برند.

در ماده اول و دوم این قانون آمده است.

فصل اول- در بیان وظایف اصلیه و ایان ولایتها

ماده اول- مملکت دولت علیه به دایره های چند به نام ولایات منقسم است و اداره هر ولایتی به عهده یک والی محول است.

ماده دوم- کافه تبعه علیه از هر کدام صنفی بوده باشد بدون استثنا در نظر قانون از جهت حقوق و معاملات مساوی هستند و تشکل دولت و حکومت به طور مطلق برای محافظت حقوق عامه ناس است. بدین بزرگتر و مهمتر وظیفه والی ها علی العموم و به طور انفراد این است که حقوق هر

گروهی از تبعه را تامین کرده و حمایت نماینده و هر کس را از وقوع ظلم و تعدی در حق او نگاه دارند... (۴۳)

از آنجا که ماده هفتم این قانون و وظیفه انتخابات را بر عهده والیان گذاشته است آن را نقل می‌کنیم.

ماده هفتم - از وظایف اصلاحیه یکی هم تشکل و قرار مجلس‌ها و محکمه‌هاست و زیادتر جای دقت در این فقره کیفیت انتخاب اعضا است و حق و صلاحیت عمومی که به موجب رخصت سنیه داده شده که در این موقع مأذونیت و صلاحیت مذکوره را به وجهی نباید مداخله کرده شود. به این معنی که اولاً والیها کمال دقت را به کار خواهند برد تا آنکه نگذارند انتخاب‌کنندگان که از اطراف و دهات جمع می‌شوند یا اشخاصی که به اعضای انتخاب خواهند شد به حمایت و خاطر خواهی یکی از مامورین و یا از روسای مملک بوده باشند.

ثانیاً: اگر کسی واقعا به اعتقاد انتخاب‌کنندگان برای عضویت قابل قبول شدن باشد لکن در زمان اجرای رسم انتخاب کسی به غرض شخصی به آشکار نگذارد او را به صحنه انتخاب بیارند یا آنکه انتخاب‌کنندگان را بترساند و بخواهد رای آنها را بی‌اثر بگذارد همچنان کسی هر کس می‌خواهد باشد فوراً به محاکمه آورده شده و قانوناً حکم آن صادر و اجرا خواهد گردید.

ثالثاً: چون رای اعضا عدد معینی هست و موافق دستور العمل انتخاب می‌شود یعنی اگر ۱۰ نفر لازم بود ۲۰ نفر منتخب شدند در میان اینها باید ملاحظه شود کدام یک بیشتر طرف اعتماد و وثوق و امنیت عامه است و در همه این کارها و بی‌قاعده بودن انتخاب‌ها والی‌ها به نفس هم دقت خواهند کرد و علاوه بر این حسن رفتار متصرفین و قائم مقام‌ها را نیز نظارت خواهند نمود... (۴۳)

■ اساس مسلمانی - قانون اساسی است

در پی افتتاح مجلس اعیان و مجلس مبعوثان عثمانی با سخنرانی طولانی عبدالحمید ثانی. روزنامه اختر در چندین شماره بیشتر مطالب خود را به این رویداد مهم اختصاص داده است. در یک شماره ابتدا سرمقاله‌ای طولانی با عنوان اساس مسلمانی - قانون اساسی آورده است و سپس در ادامه آن سخنرانی عبدالحمید ثانی را به طور کامل نوشته است که هر دو بسیار روشنگر می‌باشند. نویسنده اختر در پایان سرمقاله طولانی خود این نتیجه‌گیری را نموده است که «اکنون توانیم گفت که قانون اساسی به شرط استقامت و حسن استعمال (بکارگیری درست) با اساس مسلمانی منافات ندارد بلکه برپا دارنده اساس مسلمانی است. آشکارکننده شرف و اعتبار مسلمانی است. افزایش دهنده برشکوه و رونق مسلمانی است...» (۴۴)

در سخنرانی پادشاه عثمانی نیز ضرورت ایجاد قانون اساسی و عمل به آن آمده است که خواهد آمد. به این ترتیب در حاشیه اصلاحات صورت گرفته در سرزمین عثمانی و انتشار تمام قوانین و

مقررات آنها و جاهای دیگر، این روزنامه ثابت می‌کند که برای کشور ما نیز وجود قانون اساسی و مجلس ضرورت دارد و نبود آن موجب عقب‌ماندگی و دوری از آزادی و عدالت است.

۴ معرفی یک الگو و طرح یک پرسش

حکومت عثمانی مشروطه شد، چرا در ایران خبری نیست؟

روزنامه اختر موضوع قانون و مجلس را با گزارش‌های دقیق از مشروطه شدن حکومت عثمانی پی‌گیری می‌کند و اهمیت این حرکت بزرگ تاریخی را برمی‌شمارد.

ستایش روزنامه از این کار و تاثیر آن حرکت بر کشور عثمانی و کشورهای دیگر و نیز بر شمردن اصول مشروطیت آن کشور و اینکه گام به گام اصلاحات سلطان عبدالحمید ثانی را ترسیم می‌کند به خوبی ذهن و اندیشه ایرانیان را برای تحقق مشروطه در این کشور فراهم می‌سازد به ویژه آنکه حکومت عثمانی نه تنها کشور همسایه ایران محسوب می‌شود بلکه به دلیل داشتن خلافت اسلامی کشور دینی و اسلامی محسوب می‌شد که به دلیل داشتن ارزش‌های دینی مشترک از وحشت مردم و مسوولان کشور ایران می‌کاست. اما متأسفانه سران کشور ایران توان اینگونه اصلاحات را نداشتند تا آنکه کار به انقلاب کشیده شد.

اولین خبر - آغاز مشروطه شدن دولت عثمانی را این روزنامه اینگونه مطرح می‌سازد که «اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی سلطان عبدالحمید خان ثانی در یازدهم ماه شعبان بر اریکه سلطنت به دولت و اقبال جلوس فرمودند. این جلوس همایون را مبدا یک نیک بختی تازه برای عثمانی‌ها توانیم خواند. آری نیک بختی بزرگ‌تر از این را تصور نتوانیم کرد که به تاسیس یک قانون اساسی صنوف تبعه و اهالی را آزادی و برابری در موارد سیاسی و حقوقی بخشید و پس از آنکه دولت بلاشرط بود اداره کلیات امور متعلقه به آنها را به قید مشورت یک مجلس عمومی ملی محول و مشروط فرمودند این اساس بزرگ نخستین سرمایه نیک بختی است که در مشرق زمین به مساعدت و احسان آن پادشاه عظیم‌الشان گذاشته شد و تاریخ جهان را سرمایه افتخاری دادند.» (۴۵)

بدون شک این حرکت پادشاه عثمانی که در شرق سابقه نداشت با چنان تجلیل که از او گشت سایر زمامداران کشورهای همسایه را به موضع کشید و مردم را به تفکر فرو برد. به ویژه آنکه قانون اساسی اعلام شده بسیار پیشرفته و تقریباً با اصول حقوق بشر تنظیم گشته بود. از جمله این خبر بازتاب زیادی بر مردم روسیه داشت که بازتاب آن بی‌درنگ در اختر آمده است و مردم ایران را با این پرسش روبه‌رو می‌سازد که چرا شما ساکت نشسته‌اید؟

متن خبیر از این قرار است: در بعض روزنامه‌ها نوشته و از روی تلگراف‌نامه مسکو به تاریخ ۳ ژانویه فرنگی نقل کرده‌اند. که پس از اشتهار و اعلام قانون اساسی در اسلامبول و مقرر شدن

تاسیس مجلس ملتی به دیوارهای پطر بورغ کاغذها چسبانیده شده است که در آنها لزوم تنسیقات و حریت و آزادی در ممالک روسیه مندرج بوده است. به همین جهت آدم‌های بسیاری از جانب حکومت گرفتار شده‌اند. از جاهای موثق می‌شنویم که پنهانی جمعیتی در ممالک روسیه هستند که خیال آنها داخل کردن جمهوری و آزادی به خاک روسیه بوده و مقدار این جمعیت در حد دو کروور نفس می‌باشد که اینها همدیگر را می‌شناسند و از کارهای همدیگر خبر دارند ولی با همه دقت و اعتنائی که حکومت و دولت به این کارها دارد نمی‌تواند سر رشته از این کار به دست بیاورد. در میان این جمعیت بسیاری از صاحب منصبان نظامی و غیر نظامی هم بوده‌اند و نام گروهی از این جمعیت (قرمزی اوشاقار) بوده است و در هر سمتی از ممالک روسیه شعبه‌های جداگانه داشته‌اند. (۴۶)

تجلیل از شاه عثمانی - تقدیر و تجلیل روزنامه اختر از سلطان عبدالحمید ثانی به خاطر اعلام مشروطه نوعی دهن کجی به شاه ایران می‌توانست باشد. سر مقاله این روزنامه در شماره بعدی به حق شناسی و انصاف پرداخته و در ضمن تجلیل از این پادشاه باز هم موضوع اصلی را به مسئله قانون اساسی کشیده است و می‌گوید:

حق شناسی و انصاف - حق شناسی و انصاف دو خصلت است که آدمی به واسطه داشتن این دو خصلت نیک گرامی خواهد بود و این دو خصلت نیک است که آدمی را گرامی تواند داشت.

حق شناسی و انصاف در عالم انسانیت سر رشته همه نیکی‌هاست و در شاهراه استقامت میزان جمله سعادت‌ها، این دو خاصه انسانیه قانون اساسی را اساس است و قیاسات راستین و راستی را مقیاس. آزادی و حریت که امروز در زبان ملت‌های متمدن تکیه‌گاه سخن است از حق شناسی و انصاف خیزد و هم به حق شناسی و انصاف پایدار بماند. . . .

این حق شناسی و انصاف چه در یکی یکی انسان‌ها و خواه در هیات مجموعه اقوام و طوایف امت‌ها به تفاوت و مراتب تواند بود که به همان تفاوت شرف و مزیت انسان‌ها معین و محدود خواهد گردید، به قدری که در مدارج حق شناسی و نصفیت بالاتر روند به همان نسبت بر مراتب مزیت و شرف انسانیت بیفزاید. قانون اساسی (که امروز برای نیک بختی ملل شرقیه به مساعدت گرانبهای پادشاه بزرگ اسلامیان بر پا گردید) برای تعیین وظایف انصاف و حق شناسی است. تاسیس این قانون نیز از آثار همان حق شناسی و انصاف است. حریت و مساوات در اطوار حقوق زندگانی به حکم شرع و عقل حق لازم افراد انسان‌ها و هیات مجموعه آنها است و دانستن این حق و کار کردن به مقتضای آن نیز جز آزادی و مساوات آنها را پرورش نخواهد داد.

نیز قصیده‌ای از یک شاعر ایرانی بنام فیض در ستایش از کار پادشاه عثمانی در همان صفحه آورده است که دو بیت آن از این قرار است

همانا شاد باش و دیرزی ای شاه روشن دل
که روشن کرد فرچهرهات ایوان کیهان را
یمین اش خرم و شاد یسارش فیض و آزادی
تعالی الله از این دولت که بینم شاه دوران را^(۴۷)

سپس متن کامل ترجمه دستخط شاه عثمانی را همراه با زینت خاصی که به ستون روزنامه داده آورده است.

متن دستور مشروطه شدن دولت عثمانی که توسط عبدالحمید ثانی نوشته شده است نزدیک به ۱۰ برابر متنی است که حدود ۳۲ سال بعد مظفرالدین شاه برای مشروطه ایران نوشت. تحلیل محتوای دستور شاه عثمانی نشان می‌دهد که اصلاحات او از صمیم دل صورت گرفته و فهم و درایت او نسبت به شرایط سیاسی جهان و حقوق ملت بسیار بالا بوده است.

به این خاطر دستور صدور مشروطیت که او صادر کرده قابل مقایسه با دستور مظفرالدین شاه نیست چرا که از هوشمندی بالایی برخوردار است این در حالی است که شاه ایران با خواست ملت و با یک انقلاب مواجه بود. بخشی از این فرمان و درج خبر آن از این قرار است:

در این نسخه اکتفا می‌کنیم به ترجمه دستخط همایون که در باب تصدیق و امضای قانون مذکور که در ۷ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۲۹۳ شرف صدور یافته و در همان روز به آداب و تشریفات لازمه در بابه عالی در مجمع عموم بزرگان دولت و ملت و آحاد صنوف تبعه و اهالی به کمال تعظیم و احترام خوانده شده مراسم شادی و موزیک و شلیک توپ به عمل آمد.

که آن روز برای عموم تبعه و اهالی یک روز شادی و جشن بزرگی بود. چه اعلام این قانون اساسی را مبدا یک نیک بختی تمامی برای خود و وطن خود دانستند همدیگر را تبریک و تهنیت گفتند به دعای ذات شوکت سمات اعلی حضرت اقدس پادشاهی بلند آوا شدند.

■ فرمان مشروطیت پادشاه عثمانی

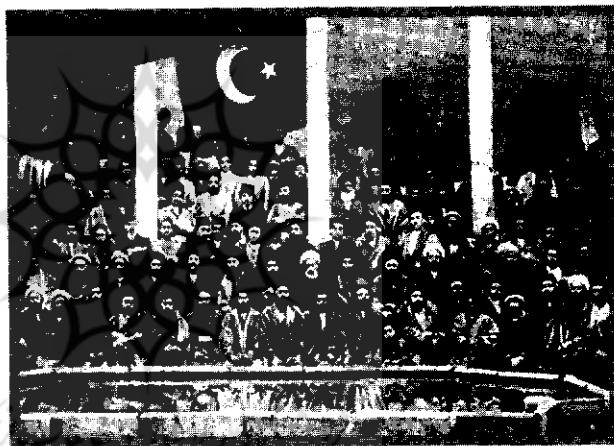
بخشی از صورت ترجمه خط همایون - سستی و تدنی که از چندی به اینطرف قوت دولت علیه ما را روی داده است بیشتر از آنچه از غائله‌های خارجی حاصل شده از جهت انحراف و بیرون رفتن از جاده استقامت در اداره امور داخلیه به میان آمده و از میل به انحطاط و سائل و اسبابی حاصل شده است که آن اسباب متکفل امنیت تبعه و اهالی بر حکومت متبوعه خودشان می‌باشد.

برای رسیدن به این مقصود برای حکومت یک قاعده و منتظمه پیش گرفته شود و این عبارت است از حفظ حقوق مشروطه و مقبوله حکومت که به واسطه منع و محو کردن حرکات نامشروع یعنی سوءاستعمالات که از تحکیمات مستبدانه و متفردانه یک شخص یا اشخاص چند حاصل تواند شد و عبارت است از بهره‌مندی عموم اقوام مختلفه که هیات جمعیت ما را تشکیل کرده است

از نعمت حریت و مساوات بدون استثنا که اینها نیز به تامین این فوائد و منابع حاصل تواند شد و چون محتاج الیه این اصول ثابت الخیر از تباط قوانین کلیه و مصالح عمومی است به قاعده مشروعه مشورت و مشروطیت. این است که لزوم تشکیل یک مجلس عمومی را به موجب دستخطی که در باب اعلام جلوس خودمان بود بیان کرده بودیم . . .

قانون اساسی که در این باب لازم بود تنظیم بشود در انجمن مخصوص سرآمدان وزرا و صدور علما و دیگر رجال و مامورین دولت علیه ما مذاکره و تربیت شده و در مجلس و کلا نیز بالاطراف تدقیق و امعان و تصدیق کرده شد و مواد مندرجه آن به طور محافظه حقوق خلافت کبرای اسلامیه و سلطنت سنیه عثمانیه و حریت و مساوات عثمانیان و مسوولیت و صلاحیت و کلا و مامورین و حق و قوف مجلس عمومی و استقلال کامل محاکم و صحت موازنه مالیه و حقوق مرکزیه اداره های ولایاتی تعلق به اتحاد اصول توسعه ماذونیت داشت . . . / اینها نیز مطابق به احکام شرع شریف

و احتیاجات و قابلیت امروزی ملک و ملت و مساعد و موافق بنیت نیک سعادت حال و ترقیات عامه بود. قوانین و نظاماتی را که در ضمن آن نوشته شده است هر چه زودتر تنظیم و اتمام نموده و در این باب تدابیر سریع و موثر به کار برده حصول این مقصود را مطلوب قطعی ما بدانید آنان که برای نیک بختی



تخصیص مشروطه خواهان در سفارت عثمانی

ملک و ملت ما می کوشد حق تعالی مساعی ایشان را مظهر توفیق فرماید.

فی ۷ شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۹۳. (۴۸)

جالب است یادآوری شود که این روزنامه تاکید دارد که پادشاه عثمانی تنها اقدام به صدور فرمان مشروطه نمود بلکه همزمان یک قانون اساسی که نتیجه جمع آوری نظرات صاحب نظران آن سامان بوده است منتشر می کند و بدون درنگ ضرورت اجرای آن را گوشزد کرده و خودش نیز با تمام توان پایبند به قانون اساسی است چنانچه کنفراسی از نمایندگان ایالات تشکیل می شود و خواسته هایی را از سلطان دارند ولی او اعلام می کند که معیار ما قانون اساسی است و مواردی را که با آن تطبیق دارد می پذیرد و مواردی را که خلاف قانون اساسی است مردود اعلام می کند.

به گزارش زیر دقت شود که برای مثال از طرف شرکت کنندگان در کنفرانس خواسته بودند که در

انتصابات، شاه پاره‌ای مزایا نظیر مذهب و جنس را ملاک قرار دهد ولی او مستند به قانون اساسی آن را رد می‌کند. متن بخشی از خبر از این قرار است:

(کنفرانس) یعنی مجلسی که مرکب از مامورهای مختار شش دولت بزرگ می‌باشد... مطالبی که ایشان از روز اول داشته‌اند راجع به ۲۹ مورد بوده است و بیست و یک مورد آن به ملاحظه اینکه مطابق احکام قانون اساسی بوده است از جانب بابعالی پذیرفته شده و هشت نقطه دیگر از مطالب مذکور که مغایر با قانون مذکور است بابعالی خود را به قبول نکردن آنها محقق می‌داند. برای مثال در کنفرانس مذکور خواهان تبعیض بوده‌اند ولی بابعالی می‌گوید: به علت موافقت احکام قانون اساسی که به تازگی تاسیس و اعلام شد به عهده اشخاصی که لایق باشند خواه مسلم و خواه غیر مسلم بی هیچ ملاحظه فرق جنس و مذهب هر گونه ماموریتی سپرده خواهد شد.^(۲۹)

اعلام روز ملی - روزنامه اختر آورده است که روز صدور فرمان مشروطه توسط سلطان عبدالحمید در کشور عثمانی به عنوان روز ملی نامیده شد و خبر این مطلب با تجلیل آورده است. سپس می‌افزاید که چگونه این قانون اساسی تبعیض بین مسلمانان و غیر مسلمانان را از میان برداشت.

■ اعلام قانون اساسی

دستخط همایون اعلیحضرت پادشاهی که در خصوص اعلام قانون اساسی شرف صدور یافته و بدان واسطه کالبد دولت جانی تازه گرفت. در دل‌های عموم تبعه و ملت سروری بی اندازه حاصل گردید، غبار اختلاف از میان فرزندان وطن برخواست و حق در مقرر خود بنشست. جادوی فرعونیان باطل شد. آتش فتنه گلستان امید گردید. آن چنان خط همایون سعادت مقرون در یازدهم کانون اول رومی ۱۸۷۶ به احترام و آدابی که در نسخه پیش نویس شده خوانده شد.

چون آن روز سعادت‌مند مبدا یک نیک بختی بزرگی برای عموم عثمانیان است بر حسب تعلق اراده سنیه اعلیحضرت پادشاهی مقرر گردیده است که روز مزبور به حساب سال شمسی یعنی در هر سال در ۱۱ ماه کانون اول از جمله روزهای متبرک و رسمی معدود و به قاعده که در امثال این ایام معمول است پنج نوبت شلیک توپ شده چراغان و دیگر گونه ایفای لوازم مسرت به عمل آورده شود و نام نامی آن شهریار دادگر حریت پرور الی الاید آرایش صحایف تاریخ نیک بخت مشرقیان گردد. از جمله نتایج قانون اساسی که مدار ترقیات ملک و ملت و وطن است این است که به موجب ماده هفتم قانون اساسی می‌گوید همه تبعه عثمانیه به جز در احوال مذهبی در حقوق و وظایف مساوی می‌باشند و از جمله این اساس است که این ماده به موقع اجرا گذاشته شود و بر حسب اراده سنیه مقرر است که بعد از این اولاد تبعه غیر مسلم را در همه مکاتب عسکریه ثبت اسامی کرده قبول نماید.

لہذا هر گاه چنانچه هر کدام از اطفال بخواهند داخل در مکتب‌های مذکور بشوند به طوری که

درباره اولاد تبعه غیر مسلمه را در همه مکاتب عسکریه ثبت اسامی کرده قبول نمایند. لہذا ہر گاہ چنانچہ ہر کدام از اطفال مرقومہ بخوانند داخل در مکتبہای مذکور بشوند بہ طوری کہ دربارہ اولاد تبعہ مسلمہ رفتار می شود در حق آنها نیز معمول و موافق قاعدہ امتحان آنها بہ عمل آورده شدہ نامشان ثبت دفتر خواهد گردید بہ جهت اطلاع عمومی اعلام می شود کہ ہر کس بخواند در این خصوص بیاب والای سرعسکری رجوع نماید. (۵۰)

انتخابات مجلس ملی - در ادامہ گزارش های خود اخبار انتخابات مجلس شورای ملی عثمانی را کہ نام آن را مجلس مبعوثان (برگزیدگان ملت) ترجمہ کردہ است پیگیری می نماید و اسامی اعضا را بہ تدریج اعلام می کند کہ یک نمونہ آن در گزارش زیر آمدہ است :

برای عضو بودن در مجلس مبعوثان ہشت نفر از ولایت جلیلہ ادرنہ خواستہ شدہ بود. از روی قاعدہ انتخاب کہ مشخص کردہ اند، چہار کس از مسلمانان و چہار دیگر از مسیحی معین گردیدہ است. اسامی مبعوثان مسلم . . . (۴ نفر نام بردہ شدہ) و مبعوثان غیر مسلم، قوت مآب . . . (۴ نفر نام بردہ شدہ است). (۵۱)

فرصت مقایسہ بین انقلاب مشروطہ ایران و عثمانی در این گفتار نیست و گر نہ نکات فراوان می توان یافت برای مثال در خبر فوق می خوانیم کہ در همان انتخابات دورہ اول در کشور عثمانی نام نمایندگان برگزیدہ شدہ غیر مسلمان (مبعوثان غیر مسلم) دیدہ می شود در حالی کہ پس از پیروزی انقلاب مشروطہ در ایران مسیحیان و یہودیان زردتشتیان حق انتخاب نمایندہ نداشتند و بہ کسانی نظیر طباطبایی و بہبہانی . . . رای دادند.

این در حالی است کہ اصلاحات سلطان عبدالحمید سہ دہہ زودتر از ایران انجام گرفت کہ حکایت از فشار تعصب و انجماد فرهنگی در ایرانیان و تسامح در عثمانی داشت.

قانون آزادی مطبوعات در عثمانی - مطبوعات حتی پیش از اصلاحات سلطان عبدالحمید در کشور عثمانی نسبت بہ ایران از آزادی بیشتری برخوردار بودہ با این وجود با تکیہ بر قانون اساسی قانون مطبوعات مورد تجدید نظر قرار می گیرد و از آزادی بیشتر برخوردار گشتہ و گرفتن امتیاز انتشار سہل و آسان می شود، چنانچہ در خبر زیر می خوانیم: بہ جهت تنظیم پارہ قانون های تازہ کہ تالی قانون اساسی می باشد کمیسیونی مقرر شدہ بود و این کمیسیون بہ کمال اہتمام مشغول انجام خدمت محولہ بہ خود بودہ. نظامنامہ مطبوعات را می کوشند بہ کمال آزادی نوشتہ و برای تحصیل امتیاز و استحقاق روزنامہ و کازت بعضی اشکالات و اجرای رسم ہا را کہ بیشتر بود برداشتہ و کار را سہل و آسان نمودہ اند کہ باعث پیشرفت اسباب ترقی و ازدیاد وسائط آگاہی گردد. (۵۲)

انتصاب نخست وزیر برای اجرای قانون اساسی - سلطان عثمانی با انتصاب نخست وزیر او را مامور بہ اجرا قانون اساسی می نماید جالب است کہ شاہ در حکم خود باز ہم از فلسفہ ایجاد

قانون اساسی و نقش و ارزش آن سخن به میان آورده است و یادآور شده است که رئیس شورای دولت (نخست وزیر) به دلیل جایگاه قانونی اهمیت بیشتر پیدا می‌کند و تاکید می‌کند که هر چه سریع‌تر نسبت به تشکیل مجلس و لوایح قانونی که به فوریت توسط مجلس باید تصویب شورا اقدام کند. خبر انتصاب نخست وزیر و بخشی از حکم شاه از این قرار است:

منصب جلیل صدرات عظمای به عهده جناب مستطاب ادهم باشا رئیس سابق شورای دولت محول گردیده دستخط همایون ملوکانه که در این باب و بیان دیگر ارادات سنیه شرف صدور یافته است.

■ ترجمه دستخط همایون - ادهم پاشا وزیر معالی سمیر من

قانون اساسی که در ضمن تقدیر احتیاجات زمانی و موقع جدید و مهم دولت علیه ما از روی میل و آرزوی خاص خودمان اعلام کردیم ثمره نیکی که ما را از آن مقصود است این بود که از این قانون ماهیتی ایجاد گردد که در نظر همه کس احترام و اعتماد را جلب کند و بدین وسیله آثار و اسبابی که نیک بختی مملکت را امنیت تواند داد به دست آید و این یکی متوقف و منوط بر این است که همه مامورین از بزرگ و کوچک خودشان را به حرکات و اعمالی که در حوزه حد معروف ماموریتی ایشان است و همچنین به انتقاد و اطاعت احکام قانونیه مکلف دانند و از طرف دیگر مساوات حقوقیه که به عموم تبعه دادیم و همچنین برای حصول صلاح حال آنها هر گونه تدبیری که لازم است باید به کار برده شود بنابراین لازم آمد در حق و کلا و مامورین که واسطه انجام مصالح هستند یک تغییر کلی داده شود. . . .

به ملاحظه اینکه لایحه‌های قوانین تالیه که از متمم‌های قانون اساسی است زودتر باید حاضر شده و به مجلس مبعوثان که وقت اجتماع آن نزدیک است داده شود و از این بابت ریاست شورای دولت بالمضاعف اهمیت پیدا می‌کند.

برای نظارت امور مالی و اوضاع اصلاحیه که برای نظارت امور مالی لازم است مقرر می‌باشد اشخاصی که لازم است از اروپا احضار شده و به طوری که بر ما معلوم شد به جهت ریاست مجلس مبعوثان آنچه قاعده انتخاب و تصدیق آن را ماده هفتاد و هفتم قانون اساسی معین می‌کند از سال آینده مجری و تعلق به انتخاب مبعوثان به نسبت نفوس اهالی خواهد بود. . . . حسن جریان مصالح را و خصوصاً برای استیذان قرار قوانین و نظاماتی که در قانون اساسی وعده کرده شده است به کمال سرعت مواظبت نمایند حضرت حق توفیق فرماید.

فی ۲۱ محرم ۱۲۹۴ . (۵۳)

انتشار متن قانون اساسی - در سر مقاله‌های روزنامه اختر سخن از قانون و قانونگرانی و ضرورت داشتن قانون فراوان سخن گفته شده بود ولی قادر به ارائه مدل و الگویی برای ایرانیان در دست نبود

تا اینکه با اعلام مشروطه در کشور عثمانی و تنظیم قانون اساسی در این کشور که ادعای خلافت اسلامی را نیز داشت سوژه بسیار مناسبی برای نویسندگان این روزنامه ایجاد شد و به شیوه‌ای ماهرانه و مطبوعاتی در این باره قلم زدند و حرکت کردند. این روزنامه پس از مدتی تبلیغ پیرامون اقدام سلطان عثمانی، متن کامل قانون اساسی آن کشور را که در ۱۱۹ ماده تنظیم شده بود منتشر نمود. نظر این نگارنده آن است که روزنامه اختر حق داشته که در تجلیل از این قانون اساسی بنویسد این قانون اساسی پایه نیک‌بختی مردم مشرق زمین است. چون که اگر در زمان نگارش این نوشته که در روبروی شماست جز دو، سه اصل آن را که مربوط به آل عثمان است حذف کنیم با همان قانون اساسی می‌توان هر کشوری را در قرن ۲۱ به‌خوبی اداره کرد. اگر مقایسه شود حتی در پاره‌ای از موارد از قوانین اساسی کشورهای کنونی نیز پیشرفته‌تر می‌باشد. چگونگی انتشار این قانون پس از مدتی انتظار و مقدمه‌ای که برای آن آورده است جالب توجه می‌باشد ما برای نمونه چند اصل آن را می‌آوریم. اختر چنین آورده است:

در نسخه پیش و عده کرده بودیم ترجمه قانون اساسی را در ضمن یک ضمیمه این روزنامه بنویسیم. چون این قانون همه نیک‌بختی مشرق زمین را اساس است و اقوام و وطن را پس از وحشت و بیگانگی واسطه یگانگی و استیناس. تاریخ جهان را سرمایه افتخار است. دولت آل عثمان را برترین پایه شرف و اعتبار داد. آری این قانون اجزای پراکنده وطن را شیرازه است و جمال ملک و ملت را رونق و آرایش تازه بنیان عدالت و راستکاری بر آن استوار است و امنیت و رفا عمومی بدین واسطه برقرار پشت دین و دولت بدین اساس قوی است و مزارع ملک و ملت بدین وسیله شاداب و مسرور، چون چنان است نباید آنگونه دستورالعمل نیک‌بختی و افتخار را در ضمن ضمیمه بیاوریم و اخبار و قایع متفرقه را بر آن مقدم داریم این است که در آغاز سخن به نگارش آن پرداخته و اخبار و مطالب دیگر را در ذیل آن و در ضمیمه که لزوماً می‌افزاییم خواهیم نگاشت.

■ قانون اساسی ممالک دولت عثمانیه

(ماده اول) دولت عثمانیه حاوی و دارای ممالک و قطعات موجوده و ممتازه می‌باشد و همه یک وجود بوده در هیچ زمانی و به هیچ وسیله تفریق نمی‌پذیرد

(ماده پنجم) شخص اعلیحضرت پادشاهی مقدس و غیر مسوول است

(ماده نهم) کافه عثمانیان مالک حریت شخصیه بوده و مکلف هستند بر اینکه تجاوز به حقوق حریت دیگران نکنند

(ماده دهم) هر شخصی از هرگونه تعرضی مصون است و هیچ کس را بدون سبب و صورتی که قانون معین کرده است به هیچ بهانه مجازات و کیفر داده نخواهد شد

(ماده دوازدهم) مطبوعات در دایره قانون آزاد است

(ماده سیزدهم) تبعه عثمانیه مأذون هستند. در دائره نظام و قانون هر گونه شرکت های تجارتي و صنعتی و فلاحتی تشکیل نمایند. . .

(ماده صد و هفتم) اوصاف اعضای دیوان محاسبات و تفصیلات وظایف و استحقاقات ایشان و صورت استعفا و تبدیل و ترقی و خانه نشینی آنها و کیفیت تشکیل دفتر خانه های این دیوان به موجب نظام جداگانه معین خواهد شد. . .

(ماده صد و نهم) صورت و وضع انتخاب مجلس های اداری را که در مرکزهای ولایت ها و لواها و قصبه ها می باشد و وضع انتخاب اعضای مجلس عمومی را که سالی یکبار در مجلس عمومی جمع می شوند از روی یک قانون جداگانه وسعت داده خواهد شد. . . [منظور از مجلس عمومی شورای ایالتی می باشد]

(ماده صد و دهم) وظایف و درجه استحقاقات مجالس عمومی و لایات به طوری که به موجب قانون جداگانه معین خواهد شد عبارت از این است که در خصوص تنظیم طرق و معابر و تشکیل صندوق های اعتباری و آسان کردن راه صنایع و تجارت و زراعت و انتشار ترتیب مذاکرات لازمه را کرده و آنچه در باب وضع توزیع و تحصیل تکالیف و مرتبات دیوانی و معاملات دیگر مخالف احکام قوانین و نظامات موضوعه دانند معین کرده هر کار و احوالی را به هر جایی که متعلق است بیان نمایند و در ضمن مطالب تصحیح و اصلاح آنها شکایت خود را اظهار کنند. . .

(ماده صد و یازدهم) در هر قضا از جانب هر کدام از ملت ها مجلس جماعتی خواهد بود و کار آنها نظارت کردن است به وضع اداره حاصلات مسقفات و مستغلات و نفوذ و قفیه و کیفیت صرف شدن آنها در جاهای مشروطه آنها و در خیرات و مبرات و صرف شدن اموالی که وصیت کرده شده است موافق آنچه در وصیتنامه ها نوشته شده است و داره اموال ایتم به طوری که موافق نظامات جداگانه معین است تنظیم این مجلس های جماعت چنانکه به موجب نظامات جداگانه معین خواهد شد از افراد منتخبه هر ملتی خواهد بود مجلسهای مذکور حکومتهای محلی و مجالس عمومی را مرجع خودشان خواهند دانست.

(ماده صد و دوازدهم) امور بلدییه در اسلامبول و خارجها از جانب مجلسی ناظر بر بلدییه اداره خواهد شد و وضع تشکیل وظایف و کیفیت انتخاب اعضای این مجلس ها به موجب قانون جداگانه معین خواهد شد. (۵۴)

■ مجالس یا شورای محلی

این قانون اساسی جای تجزیه و تحلیل جداگانه دارد که در این گفتار نمی گنجد ما به یک مورد اشاره کرده و می گذریم برای نمونه چنانچه ملاحظه شو، در قانون اساسی فوق، به دلیل گستردگی کشور برای نظارت درست بر امور گوناگون، سه نوع مجلس محلی یا شورای منطقه ای دیده شده

است که در قوانین دیگر دنیا کمتر یافت می شود، این سه مجلس محلی عبارت از:

الف- مجلس اداره بلدیه (شهرداریها) یا شورای شهرداری.

ب- مجلس عوام (یا جماعت ملتی) که طبق فقه خود بر اداره موقوفات و امور خیریه و اموال ایتم هر طایفه نظارت می کنند.

ج- مجلس عمومی ولایتی که می توان آن را مجلس فدرال نامید که بر صندوق های اعتباری (بانکها) و صنایع و تجارت و زراعت و آموزش و پرورش و طراحی راه های مواصلاتی بزرگ بین شهرها و کارهای عمرانی کلان منطقه خود نظارت دارد. مجلس عمومی ولایتی حق دارد که هر آنچه بر خلاف قوانین توسط ماموران دولت یا هر کس در منطقه خود دیدند شکایت و از آن جلوگیری نمایند.

این سه مجلس محلی از سوی مردم انتخاب می شوند و سه نوع ماموریت جداگانه را پیگیری می نمایند. با تاسیس سه مجلس محلی جداگانه امور مرتبط با مسائل مذهبی را از توسعه و خدمات شهری جدا کرده است و برای هر یک مجلس یا شورای جداگانه طراحی نموده است. ابلاغ آیین نامه انتخابات مجلس شورای ملی - خبر ابلاغ آیین نامه انتخابات مجلس را چنین آورده است.

قرار نامه انتخاب اعضای مجلس مبعوثان به هر زبانی ترجمه و چاپ شده به عموم اهالی و ممالک عثمانیه منتشر گردید. در اجرای این فصل و معین شدن مبعوثان ملتی که یکی از مواد عمده قانون اساسی است اهتمام تمام به عمل آورده می شود و اسلامبول و بلاد ثلثه به دایره های چند تقسیم گردیده و از روی دستور العمل انتخاب تعیین مبعوثان اقدام و در بعض ولایات نیز از حالا مبعوثان را انتخاب و معین کرده اند که روزنامه ها به تدریج اسامی آنها را نوشته و می نویسند و چون این روزنامه مادامی که همه روزه چاپ نمی شود گنجایش تفصیل آنها را جدا جدا نخواهد داشت. بنابراین پس از آنکه امر انتخاب به آخر رسید اسامی مبعوثان ملتی از خود اسلامبول و بلاد ثلثه و سایر ولایتها و ممالک عثمانیه را همه در یکجا مفصلا خواهیم نکاشت. (۵۵)

ابلاغ وزارت امور خارجه به جهان - وزارت امور خارجه عثمانی که در ابتدا عنوان نظارت امور خارجی را داشت طی یادداشت رسمی به سفرای کشورهای خارجی اعلام می کند که رهبر مملکت اهتمام جدی برای ایجاد مشروطیت داشته و پیگیری می نماید که قوانین آن اجرا شود تا به این وسیله کشورهای دیگر را در جریان اصلاحات قرار دهد بخشی از این یادداشت رسمی را می آوریم:

ترجمه تحریراتی است که از جانب نظارت وزارت جلیله خارجه به تاریخ ۱۷ محرم و ۱ ماه فوریه به عموم سفرای سلطنت سنیه که در دربار دول دوست هستند نوشته شده است.

با باعالی برای معجری داشتن قواعد مشروطیت زیاد اهتمام می کند در این ضمن از حالا تدابیر

بسیاری به کار برده شده است.

در باب عالی کمیسیون‌های متعدد احداث شده است که به ترتیب و تنظیم قوانین متولده از قانون اساسی مشغول هستند دولت علیه به کمال مواظبت سعی می‌کند عن قریب اساسی را که موجب نیک بختی تبعه دولت علیه است بر پا دارد. (۵۶)

افتتاح مجلس - درباره چگونگی افتتاح دو مجلس اعیان (سنا) و مبعوثان (برگزیدگان) خبر زیر را آورده است. در روزنامه وقت می‌نویسد:

مجلس عمومی که عبارت از مجلس اعیان و مبعوثان است حسب المقرر در اول ماه مارس که آذر ماه منعقد خواهد گردید برای مکان این مجلس ها چندی است دایره‌های وزارت تجارت و نافع که در میدان ایاصوفیه واقع است تخلیه شده سالن‌های بسیار بزرگ و قشنگ ساخته میشود.

آنچه از اطاق‌های شعبه‌ها و دیگر ملزومات کار را لازم است آماده می‌کنند به طوری که تا روز اجتماع مجلس‌ها امر تعمیر و تفریش و تزئین آنها انجام خواهد یافت و محضرها و لایحه‌های قوانین تالیه را که از متفرعات و متمات قانون اساسی است یکی یکی ترتیب و تنظیم داده و حاضر می‌نماید که هنگام افتتاح مجلس عمومی داده شود.

محضر قانون‌نامه مطبوعات و قانون دخول مامورین ضابطه برای مسکن و منزل اهالی برای تجسس و تحری نوشته شده و شورای دولت اقدام به مذاکره و تدقیقات لازمه آن نموده است و آنچه از آن لایحه‌ها الان مطرح صحبت است و در کار نوشتن آنها هستند نظامنامه داخلی مجلس عمومی است.

قانون اصول انتخاب مجلس مبعوثان که از سال آینده معمول خواهد گردید و قانونی که در باب وسعت دادن مآذونیت و اقتدار والیگری‌ها و مجالس عمومی و ولایت‌ها و نظامنامه نواحی است و قانون‌نامه بلدی و ضبطیه و موازنه عمومیه مالیه است که بعد از تمام شدن این لوایح محضرهای قانون‌نامه اصول محاکمه جزائیه و قانون‌هایی که متعلق به عموم حاکم‌ها و تشکیلات محاکمه و مدعی‌های عمومی و همچنین آنچه به وضع عزل و نصب کردن مامورین و تکالیف عموم نظارت‌ها و وزارت‌ها و مواد دیگر متعلق است تنظیم و مهیا خواهد گردید و بنابر این به محض اجتماع مجلس عمومی لوایح و محضرهای قانون‌نامه‌های بسیار حاضر خواهد بود که مجلس به مذاکرات آنها اشتغال نماید. (۵۷)

روزنامه اختر با پیگیری تغییرات و اصلاحات دولت عثمانی ثابت می‌کند که در مدت کمتر از یک سال و بدون آنکه انقلاب خونین رخ دهد چگونه یک رهبر می‌تواند رژیم فردی و مستبد مطلقه را به رژیم پارلمانی تبدیل نماید و به آنجا برساند که مجالس نیز افتتاح شده و از قبل مواردی که باید در دستور کار قرار گیرد و نیاز مردم است مشخص نموده‌اند نیز قانون اساسی پیشرفته با نظر نخبگان

جامعه تنظیم و به صدر اعظم ماموریت داده شود که نسبت به اجرا و تکمیل آن اقدام کند. گرچه در همان روزها حمله روس به عثمانی آغاز می شود و بخش های اروپایی کشور عثمانی تجزیه می گردد که در شماره های بعدی روزنامه گزارش آنها آمده اند، اما توطئه های جهانی که از قبل طراحی شده بود و موجب فروپاشی دولت عثمانی شد از اراده سلطان عبدالحمید ثانی را از اصلاحات داخلی باز نمی داشت و همین اندیشه ها و اصلاحات او بود که مردم ایران را هم به تدریج بیدار کرد و به سوی انقلاب مشروطه رهنمون شد. در این راستا مطبوعات از جمله اختر نقش ویژه خود را ایفا کردند.

■ در ایران خبری نیست

جالب است که این روزنامه تمام تحولات دولت عثمانی را با هیجان و آب و تاب پیگیری می کند و نشان می دهد که چگونه رهبران کشور همسایه در پویایی و تحرک می باشند اما به همین مطلب اکتفا نکرده، بلکه در همان شرایط اوضاع کشور ایران را نیز به خوبی به تصویر می کشد این رسانه در همین شماره ای که خبر از افتتاح مجالس اعیان و شورای ملی عثمانی می دهد به قلم گزارشگر تبریز خود نشان می دهد که چگونه ایران در مرداب خفته است شاید به همین دلیل است که در یکی از سرمقاله های خود به موضوع غیرت می پردازد.

قسمتی از مقاله گزارشگر تبریز از این قرار است:

مراسله اخبار نویس تبریز مورخ ۱۸ محرم

بعد از پاره مقدمات و اظهار مهربانی می نویسد نوشته بودید از اخبار و اوضاع این طرف ها بنویسم به کمال منت قبول دارم لکن عبارت پردازی نمی دانم اینجا هم اخبار زیاد بزرگ نیست به فرنگستان متصل نیستیم قیل و قالی هم در سر نداریم مردمی هستیم قانع و از همه چیز دنیا فارغ حالا این طوریم اگر به حال خودمان بگذارند.

وضع کار طوری است که از اخبار و وقایع جزئی خودمان هم در داخل مملکت خبری نداریم معنی روزنامه و منفعت آن را هم نفهمیده ایم که اقلا در مثل تبریز جایی که بزرگ ترین شهرهای ایران است یک روزنامه ملتی داشته باشیم و اخبار مایحتاج ملت و مقدمات ترقی در آن نوشته شود و فایده ها از آن برداریم در تمامی ممالک محروسه یک روزنامه داریم که رسمی است و به جز بعضی تشریفات اتفاقیه خبری در آن نیست صفحه ها را پر می کنند بترجمه بعضی حکایت های بی معنی فرنگستان و وقایع گذشته و خیالیه اگر گاهی هم بخوانند از ولایت ها و قایعی بنویسند یکی یکی اسم برده در مقابل آن می نویسند خبری نیست.

از فارس خبری نرسیده

از تبریز خبری نرسیده

از فلان جا خبری نرسیده

مثل اینکه خبری نرسیده هم جزء خبرهای رسمی است و لازم است به مردم اطلاع داده شود و اگر خبری هم رسیده باشد جز سلامتی حال حاکم و ستایش از عدل و داد والیان به طور عموماً چیزی نیست که آن هم نه اسم دارد و نه معلوم می شود کدام کار بزرگ را در خدمتگزاری دولت و ملت کرده اند.

اگر نگاهداشتن نظم مملکت است که تکلیف خود را به جامی آرد وجود حاکم به جهت این است تعریفی لازم نخواهد داشت. این هم وضع خبرنویسی روزنامه رسمی ماست که اگر به ممالک خارجه برود اسباب ریشخند و مضحکه خواهد بود.

از احتیاجات مردم و چاره جویی آنها و ترقی آبادی ملک و مملکت و وسعت تجارت و مناسبات و دعوت مردم به نیکی و ترقیات ظاهریه و معنویه و مانند اینها یک کلمه نمی نویسند که اصل منفعت روزنامه اینهاست.

وضع تجارت به جهت مقدمات هنگامه جنگ که در آن صفحات (افغانستان) هست، به کلی ایستاده و مردم خیلی متضرر می شوند غله و ماکولات ارزان است ولی پول کمیاب برای (ارکسپوزیسیون) (نمایشگاه) پاریس حسب الامر اولیای دولت علیه تدارک خوب دیده می شود و از هر گونه متاع‌های خوب ایران حاضر می کنند که بعد از بهار فرستاده شود.^(۵۸)

یادآوری - طبیعی است برای خواننده‌ای که این قسمت از این نوشتار را خوانده است این پرسش ایجاد می شود که چرا عبدالحمید اصلاح طلب کشورش دچار تجزیه شد و موفق نشد ولی ناصرالدین شاه تا یک ربع قرن بعد بر سریر سلطنت باقی ماند؟

پاسخ این است که حکومت‌های شرقی معمولاً فرصت سوزی می کنند و زمانی حاضر به اصلاحات هستند که در حال سقوط می باشند اما قبل از آنکه به این مرحله برسند حاضر نیستند کوچک‌ترین گام اصلاح طلبانه بردارند.

بر همین اساس بود که حکومت عثمانی هم در حال فروپاشی کامل بود که برادر سلطان عبدالحمید به بهانه بیماری کناره گرفت و حکومت را به او سپرد گرچه عبدالحمید قهرمانانه تلاش کرد ولی پوسیدگی‌های درونی و بدبینی نسبت به آل عثمان از یکسو و توطئه‌های کشورهای استعمارگر خارجی کار این امپراتوری را به آخر رسانده بود.

همین مسیر را نیز شاهان قاجار طی کردند و پس از آنکه بخش‌های زیادی از مملکت تجزیه شد و خون مردم به جوش آمد حاضر شدند که با مردم اندکی هم‌آوایی داشته باشند در هر حال تغییری در روش حکومت‌های شرقی نبوده و نیست تنها تفاوت را در تقدم یا تاخیر زمانی حرکات آنها می توان جست و جو کرد.

مشکل اساسی در نبودن ساختار قانونی مستمر و تکیه بر آن ساختارها به جای اعتماد به نفرات بوده و که روزنامه اختر با تمام توان به دنبال این آرمان و حل این مشکل بوده است تا شاید بتوان قانون را جانشین افراد کرد.

انتشار اصول زیرساخت‌های حقوق ملت - روزنامه اختر بدون آنکه از عنوان زیرساخت‌های حقوق بشری نامی به میان آورد اصول آن را به نقل از یک کلمه در ادامه سرمقاله آورده است. بخشی از این سرمقاله و این اصول از این قرار می‌باشند.

■ علم سیاست مدن

سیاست مدن علم شریف و از شعبه‌های بزرگ حکمت است و معنی آن نگرهبانی و امور پرستاری شهرهاست چه سیاست به معنی پرستاری و محافظت و تدبیر امور است و مدن جمع مدینه که مطلق شهر است ولی مقصود از شهر نیست بل هیات اجتماعی انسان‌ها منظور است.

علمای اعلام که از صدر اسلام تا کنون غور و بررسی در علم نموده‌اند در زمان‌های طولانی اوقات شریف خودشان را در استنباط احکام عبادات و معاملات و تاسیس اصول و فروع و شعبه‌های آنها نموده و همه را مبین و مشروح داشته و کتاب‌های بسیار هم تالیف نموده‌اند لکن هیچ کدام از ایشان در امر سیاست مدن به طوری که لازم است صرف اوقاف ننموده و تحقیقات کافی را به کار نبرده است و علت آن هم واضح است به علت اینکه در زمان‌های پیش تکالیف محدود و وضع اجتماعات ما به طورهای دیگر بود و مناسبت‌های خارجی هم نداشتیم.

باری حال باید احتیاج وقت را ملاحظه کرده فکر حال کار خود را نماییم چنانکه در مقاله دیروزی عنوان داشتیم حوائج برادران وطن را برآوریم اتفاق به نیکویی کنیم که سعادت و نیک‌بختی ما تنها بگذاشته شدن قوانین عادلانه و اجرای آن قوانین به طور مساوات و متفق شدن عموم اینای وطن در حفظ آن قوانین است و بس.

آیا این قوانین چیست؟ راست است مجملی از کلیات این مطلب را باید فهمید و از روی آن مبنای عمل را معلوم کرد و عجاله اساسی را که یکی از معتبرترین رجال ایران در رساله موسوم به (یک کلمه) بیان نموده‌اند در اینجا بخوانیم تا به تفصیل و فروع و شعبه‌های مطلب بر حسب اقتضای مقام و موقع پردازیم.

می‌نویسند جان مسئله و اساس دائمی دستورهای موسسه در ممالک منظمه و متمدنه غریبه در نوزده اصل قرار دارد. این اصول بزرگ را که در سال فلان اعلان شده است و آن اصول حقوق عموم ملت و وطن است.

تفصیل نوزده اصل به قرار ذیل است:

اول- مساوات در محاکمات و اجرای حکم قانون.

دوم- ممنوع نبودن کسی از منصب و رتبه دولت در صورتیکه اهل و لایق باشد .

سوم- حریت شخصیه که هر کسی آزاد بوده و کسی را حق تعرض به حقوق کسی نبوده است(در این فقره تفصیلی نوشته ایم و باز نوشته خواهد شد).

چهارم- امنیت تامه از جبهه جان و عرض و مال مردم .

پنجم- حق داشتن هر کسی در مدافعه ظلم و ستم .

ششم- آزادی مطبعه‌ها که هر کسی در نوشتن و چاپ کردن خیالات در داخل حد آداب و حکم قانون آزاد است .

هفتم- آزادی مجمع‌ها که نیز در صورت عدم ترتیب ضرر هیچ جمعیتی را منع نمی‌توان کرد .

هشتم- اختیار و قبول رأی عامه همه تدابیر حکومت است .

نهم- حریت سیاسیه و مختار بودن رعیت و اهالی در تعیین و کلای رعیت در دیوان قانونی که مقابل دیوان دولتی است .

دهم- تعیین بده و مالیات بر حسب ثروت و اقتدار بدون امتیاز و استثناء و تفاوت .

یازدهم- معلوم شدن دخل و خرج دولت در عرض سال پیش از وقت و منتشر شدن آن که (بودجه) گفته می‌شود .

دوازدهم- مسوولیت هر مامور بزرگ و کوچک از آنچه متعلق به تکلیف او و در زیر اداره اوست .

سیزدهم- جدا بودن قوت تشریح و تنفید یعنی مجلس که قانون را بیان می‌کند و احکام شریعت را معین می‌نماید و جماعتی که اجرای احکام را می‌کنند .

چهاردهم- عدم معزولی اعضا و مامورین محکمه‌ها و دواوین .

پانزدهم- تعیین ژوری‌ها در هنگام تحقیق اموری که متعلق به جنایات است . (ژوری همان هیات منصفه است)

شانزدهم- تشهیر و اعلان مفاوضات سیاسیه و اخبار متعلقه به جنایات در روزنامه‌های رسمیه به این معنی که هر شغل و منصب و رتبه که به مامورین داده می‌شود در روزنامه نوشته شود و هر کس هر عمل بدی کرد و جزایی در حق او لازم آمد و اجرا گردید نیز در کازت رسمی چاپ شود .

هفدهم- موقوف شدن شکنجه و اذیت و تعذیب .

هجدهم- آزاد بودن صنایع و کسب و تجارت .

نوزدهم- بنای مکتب‌خانه‌ها برای اصفال یتیم و فقیر .

صاحب رساله معزی‌الیه تفصیلی از هر کدام از این فقرات نوشته و از آیات و اخبار نیز گواه آورده‌اند که همه اینها فرموده اسلام است و اساساً خارج از قانون اسلامی نیست . نهایت این

است که ما باید به اقتضای آیین خود و موافق اصول و فروعی که داریم و چنانکه آداب و اخلاق و عادات ما اقتضا می کند باید قوانین مقتضیه را به اتفاق بگذاریم و با اتفاق از پیش ببریم و نباید منتظر شویم. . . . (۵۹)

۵ اخبار پارلمان های جهان

روزنامه اختر از همان آغاز انتشار اخبار مهم یا زنده پارلمان های اروپایی و سپس اخبار راه اندازی و تصمیم های مجلس اعیان و مجلس مبعوثان در کشور عثمانی را با دقت منتشر می نموده است. نگاهی به فرآیند این گزارش ها و چگونگی نشر آن به خوبی نشان می دهد که ناشرین این اخبار هدفی را تعقیب می کردند.

این هدف نشان دادن الگوی پارلمان و کاربرد و کارایی آن برای ایرانیان بوده است، با توجه به اینکه این گزارش ها در حدود ۳۰ سال قبل از انقلاب مشروطه ایران و در فضای استبداد زده حکومت ناصرالدین شاهی منتشر می گردید زیر ساخت اندیشه و ادبیات سیاسی جدید ایرانیان قرار گرفته و آنها را با این مفاهیم آشنا کرده و برای آنها نیاز آفرینی می نمود.

ارزش کاربرد مجلس یا چگونگی تولید قانون و به کار گرفتن آن، انتخابات و نقش مردم در تعیین نمایندگان و آنچه را در بخش نظری گفتیم این روزنامه در گزارش ها و اخبار منتشره خود به طور آشکارا به نمایش می گذارد که برای نمونه ۵۰ مورد از این اخبار را که طی ۴۲ شماره اول [ماه ۱۴ ژانویه تا ۱۵ مارس ۱۸۷۶] آورده است را همراه با تفسیر کوتاهی از آنها می آوریم.

دقت شود که این اخبار در ۱۳۲ سال پیش برای مردمی که با هیچ یک از واژه های انتخابات و مجلس و پارلمان آشنایی ندارند بیان شده است و می توانست تعجب خوانندگان در مقایسه با آنچه در کشور ایران می گذشت را برانگیزد.

(تذکر - ما برخی از اخبار را روان سازی کرده ایم.)

تعریف پارلمان و چند خبر

اختر در شماره اول خود سه خبر از مجالس اروپایی را آورده است:

بلگراد - بیست کس از اعضای شورای ملت تکلیف کردند که مدیر خارجی سابق را به تخت محاکمه بیاورند زیرا که در هنگامی که عسکر [لشکر] را تعلیم می کرده اند از اهالی رسومات فوق العاده گرفته شده است این تکلیف را شورای ملت به یک قومسیون [کمیسیون] حواله کرد.

پاریس - هیات و کلا در خصوص نظامنامه [قانون] انتخابات اعضای شورای ملت اتفاق کردند.

(رای دادند)

لندن - پارلمنت یعنی انجمن شورای ملت از طرف قوالیجه [امپراتور] گشوده خواهد شد و

فرزندش پرنس [ناخوانا] که در هندوستان است هم حاضر خواهد بود.^(۶۰) آن زمان که فرمانداران و استانداران حکومت قاجار با اختیار مطلق بر مردم حکمرانی می کردند و هر یک از آنها هر سه نقش قضائی، اجرائی، نظامی را بر عهده داشت و هیچ کس حتی نمی توانست این تصور را بنماید که کسی از حکمران پرستی نماید که چرا کارگزاران تو به مردم ظلم کردند. ناگهان با این خبرها روبه رو می شود که در کشورهای دیگر پارلمان [که روزنامه آن را مجلس شورای ملت ترجمه کرده است] وجود دارد که وزیر امور خارجه را محاکمه می نماید که چرا در گذشته ها کارگزاران آنها اضافه تر از آنچه قانون اجازه داده است از مردم گرفته اند؟ این شورای ملت از نمایندگان مردم انتخاب می شود و جالب است که اساسنامه انتخابات مجلس شورای ملت را نیز هیات و کلا تصویب می نمایند.

تصور آن شرایط تاریخی و آثاری که این گونه اخبار بر ذهن مردم آن روزگاران می گذارد گویای نقش و ارزش روزنامه می باشد. مسلم است که به دلیل آنکه تعداد افراد با سواد بسیار کم بودند مدت طولانی باید می گذشت تا این اخبار به اندیشه و فرهنگ تبدیل شود و در جامعه کنش ایجاد نماید که همینگونه شد و حدود ۳۰ سال بعد در انقلاب مشروطه خود را نشان داد. باز در خبر بعدی نیز از مجلس شورای ملت بلگراد خبر دیگری دارد. این دو خبر عبارتند از: فرانسه - اکثری از اعضای مجلس سناتور [شورای والا] که دیروز انتخاب شدند جانبداران حکومت هستند.

بلگراد ۱۷ ژانویه - شورای ملت تحت محاکمه گرفتن هیات و کلاهی سابق را تصدیق و قبول کرد و تکلیف قونسولگری های وین و بکرش را رد کرد.^(۶۱)

گزارش به کمیسیون خارجه شورای ملت

اختر در خبر زیر آورده است که وزیر امور خارجه آمریکا در مورد بخشنامه ای که برای سفرای آمریکا فرستاده است به کمیسیون امور خارجه مجلس گزارش داده و آنان را این باره توجیه کرده است.

واشنگتون ۱۸ ژانویه - موسیو فیشر وزیر خارجه بکو میسیون خارجه شورای ملت بیان نموده است که تحریرات عمومی را که وزارت خارجه آمریکا [آمریکا] در خصوص کوبا به سفرای جمهوریت [آمریکا] ارسال کرده است تا آنها مداخله دوستانه دول سائره را طلب کنند و مناسبات دولت آمریکا با دولت اسپانیا به طور مداوم در خط دوستی باقی است.^(۶۲)

توضیح آنکه ظاهراً دولت آمریکا برای ایجاد ائتلاف جهانی بر علیه اسپانیا برای بیرون رفتن از کوبا تلاش می کرده است و از سفرای خارجی خواسته است که با دیگر کشورها ریزی کنند. این موضوع موجب ناراحتی اسپانیا گشته و کمیسیون خارجی مجلس آمریکا از وزیر امور خارجه

توضیح خواسته که توضیح بالا داده شده است. اینگونه اخبار نه تنها توان مجلس شورای ملت را در برابر حکومت به نمایش می گذاشت بلکه مردم ایران را نسبت به سیاست‌های جهانی آگاه می نمود و عقب ماندگی‌های سیاسی را نیز به نمایش می گذاشت.

مجلس شورای شهر

در خبر زیر سخن از انجمن بلدیة [شورا یا انجمن شهر] سخن به میان آورده است و کارآیی آن را در نظارت بر کارهای عمومی بر می شمارد:

فرانسه - مجلس بلدیة شهر بورخ فرانسه بر اساس وصیت نامه ذیل که به امضاء [کاریا] است چهار صد هزار فرانک دریافت کرده است:

تمامی مایملک خود را که عبارت از چهار صد هزار فرانک است به شهر بورخ که مولد من است اعطاء کرده که با این مبلغ چند باب مکتب در شهر بنا شده به انات اصفال [دختران کوچک] در آنها مجاناً علوم و فنون و تعلیم داده و مکتب نیز بنام [مکتب کاریا] خوانده شود.

موافق وصیتنامه فوق در شهر مذکور مکتب موسیقی و یک مکتب ریاضی و یک مکتب نقاشی تاسیس و بنا خواهد شد. (۶۳)

جناح بندی انتخابات در مجلس سنا

پاریس ۲۶ ژانویه - وکلای پاریس که به جهت انتخابات سناتو انتخاب شده اند امروز مجلس کرده اند، اختلافی که در میان حامیان و جانبداران جمهوریت ظهور کرد تاکنون هست و تا به حال صورت اسامی و دفتر اعضای مجلس سناتو ترتیب نشده است. می گویند انتخاب مسیو ویکتور هوگو و مسیو لوئی پلان مقرر (حتمی) است. (۶۴)

اخبار از چند مجلس

آلمان، برلین - شورای ملت کیفیت مأذونیت بیرون رفت اسب [آیین نامه صادرات اسب از خاک آلمان] را تصدیق و قبول نمود.

فرانسه - پاریس - بعد از تحقیق معلوم شد که از اعضای مجلس سناتو یکصد و چهل و دو کس هو خواهان جمهوری هستند.

پاریس - می گویند از انتخابات شورای ملت هیات و کلا تغییر نخواهد یافت [اعضای هیات رئیسه مجلس] تغییر نمی کند. (۶۵)

انگلیس ۸ فوریه - پارلمنت گشوده شد. نطق علیا حضرت قوالیجه [امپراتور] انگلیس مناسبات و کمال دوستی دولت انگلیس را با دول اروپا تصدیق می کند.

در باب [باره] شورش هرزه (هرزگوین) و بوشنه [بوسنی] بیان نمودند که این شورش در وهله اول باعث دقت کشورهای اروپایی شد و ما وظیفه خود دانستیم که از موافقت با متفقان خود که

برای برگشت آسایش و رفع شورش اهتمام می کردند پای پس نگذاریم. این است که مناسب دیدیم با آنها همراهی کنیم درباره لزوم اصلاحات [در کشور عثمانی] به بابعالی [خلیفه عثمانی] اخطار و یادآوری نماییم هم شرایط استقلال دولت علیه [بزرگ] عثمانی رعایت گردیده و هم اسباب ناخشنودی تبعه عیسویه [مسیحیان] برداشته شود. امیدوارم که شورای ملت کیفیت خریدن [آیین نامه واردات] حصه های [سهام] قنال سویس را تایید کند به علت اینکه این معامله موافق منافع عمومی انگلستان است. (۶۶)

راستی ملت ایران که در آن زمان این خبر را می خواند که امپراتور انگلستان از مجلس تقاضا می نماید که با خرید سهام موافقت کنند - چه احساسی به او دست می داد؟

بکرش، فوریه - شورای ملت لایحه ثانیه وزیر خارجه (بیانیه دوم وزیر جنگ) را تصدیق نمود، وزیر بیان کرده پولتیک [سیاست] حکومت پولتیک صلح و آسایش و بی طرفی خواهد بود. (۶۷)
اتریش، مجارستان، ۹ فوریه - در مجلسی که در تحت ریاست رئیس و کلا منعقد شد حامیان آزادی تکلیف کردند که نیکی های - فرانسواداگ - در ضمن اوراق دولتی منتشر می شود و دفتر اعانه قرار داده شده از برای مشاءالیه هیکیلی [مجسمه ای] ساخته و در پایتخت نهاده شود.

مجلس باخشنودی این تکلیف را پذیرفت. (۶۸)
(مفهوم این خبر آن است که مجلس پیشنهاد فراکسیون حامیان آزادی در مجلس را که گفته اند در حاشیه نامه های دولتی از خوبی های - فرانسواداگ - یاد شود و با هدایای عمومی مجسمه او ساخته شود و در پایتخت نصب شود موافقت کرده است.)

پاریس - [مفهوم خبر] فرانکایو یکی از نمایندگان در روزنامه ها اعلام کرده است که در کمیسیون شورای ملت از وزیر دفاع سوال خواهد کرد که آیا نیروهای دولتی اسپانیا به خاک فرانسه تجاوز کرده اند یا نه؟ (۶۹)

برلین - شورای ملت قانون نامه جنایت را قبول و تصدیق نمود. (۷۰)

■ تشکیل مجلس دربار در تهران

از آنجا که روزنامه اختر نسبت به توزیع قدرت و تشکیل هر گونه نهاد شورایی حساسیت داشته است به این خاطر در کنار گزارش مجالس سنا و شورای ملی کشورهای دیگر خبر تشکیل شورا در دربار شاه ایران را نیز به فال نیک گرفته و گزارش آن را منتشر کرده است. در گزارش زیر می نویسد:

ایران، فجر تبریز - . . . ترتیب مجلس شورای بزرگی در تهران مقرر شده که اعضای آن هیجده کسی از شاهزادگان عظام و چند نفر از افاحم ارکان دولت خواهند بود. جناب میرزا علی خان امین الملک که از افاحم رجال دولت است مامور به اداره مجلس مذکور گردیده اند هنوز تفصیل

اسامی اعضاء و وظایف مقرر مجلس و متفرعات آن به تبریز نرسیده است. (۷۱)

اخبار مجالس دیگر کشورها

برلین - بعد از آنکه شورای ملت نظامنامه جنایت را تصدیق کرد. [به لایحه رسیدگی به جنایات رای مثبت داد] به امر امپراتوری موقتا مذاکرات را تعطیل کردند.

بکرش - با وجود آنکه سناتور [مجلس سنا] تنها نارضایتی خود را در حق مدیر [وزیر] معارف بیان کرد همه هیات مدیران استعفا کردند.

وین - کمیته شورای ملت عهدنامه تجار تی مملکتین [اتریش و مجارستان] را تصدیق کرد. چون شورای ملت تا پانزده روز دیگر تعطیل خواهد شد برای پایان بخشیدن به کارها بسیار اهتمام می نماید که تا شروع تعطیلات همه کارها انجام پذیرد.

یونانستان، آتن - روز دوشنبه آینده شورای ملت تعطیل خواهد شد و کلایی که به اتهام جرم حبس شده بودند ابطال حکم توقیف خود را خواهند هستانند. (۷۲)

کمک شورای شهر مسکو به اعتراض کنندگان:

گازت [روزنامه] کونستیتسونل [مجلس شورا] نوشته است. این نوبت سوم است که مجلس بلدیة [شورای شهر] مسکو مقرر کرده برای عاصیان [اعتراض کنندگان] کمک فرستاده شود و این مبلغ هشتاد هزار فرانک است. . . . (۷۳)

وین - وکلای مجارستان که چند روز پیش به اینجا رسیدند چند بار با مدیران ملاقات کردند. (۷۴)

پاریس - مسیو تیر انتخاب شدن خود را به سمت عضویت در شورای ملت اعلام خواهد کرد. (۷۵)

■ دستور تشکیل مجلس وزراء در ایران

این روزنامه تحولات مدنی در ایران را به طور دقیق پیگیری کرده است چنانچه گفته شد خبر تشکیل مجلس شورای بزرگ در تهران از درباریان را چند روز قبل اعلام کرده و سپس در تکمیل آن خبر در شماره های دیگر به طور مفصل به چگونگی تشکیل این مجلس پرداخته است و باز یادآوری کرده است که در شماره های بعدی وظایف و آیین نامه های آن را خواهد آورد و در شرحی که آورده است نوشته که در ماه ذی القعدة شاه ایران [ناصرالدین شاه] به تالار دارالشوری کاخ می رود و به امین الملک دستور می دهد که هفته ای یک روز از روزهای پنجشنبه وزرا جمع شوند و درباره امور مملکتی گفت و گو کنند و تصمیم گیری لازم به عمل می آید ولی هفته بعد دستور زیر را صادر می کند و به طور رسمی به امین الملک دستور تشکیل مجلس وزیران را [هیات وزیران] را برای هفته ای سه روز و با کمال آزادی در گفتار صادر می کند.

متن دستخط ناصرالدین شاه برای تشکیل مجلس وزیران را آورده که از درج آن می‌گذریم. (۷۶)
ادامه گزارش‌ها

پشته- ۱۶ فوریه- شورای ملت قرار داد که اسم د، آگ در ضمن دعا‌های کلیساها دائماً یاد کرده شود. (۷۷)

پاریس- مسیو غامتیا در باب انتخاب دوک دکاز به عضویت شورای ملت مخالفت می‌نماید. (۷۸)

مادرید- در هنگام اجرای مراسم افتتاح شورای ملت اعلیحضرت قرال از جانب اهالی با کمال خوشی و خشنودی پذیرفته شدند. می‌گویند در این نزدیکی اسباب تمام آسایش فراهم خواهد آمد. (۷۹)

وین- حکومت در خصوص دریافت کردن مالیات سهام که در داخل بورسیه می‌باشند لایحه به شورای ملت خواهد داد. (۸۰)

لندن- در شورای ملت وزیر مالیه اعلام کرد که دولت او اصل و بهره پول استقراضی از دولت عثمانی را به موجب مقاوله [قرار داد] پرداخت خواهند نمود. اعضاء شهر منچستر هم مسیو برایت را برای عضویت در شورای ملت انتخاب کردند. (۸۱)

پاریس، ۲۰ فوریه- مراسم انتخاب اعضای نمایندگان شورای شهر ملتی اجرا شد و ۱۱ نفر بنام انتخاب شدند. (۸۲)

اتریش، مجارستان، وین ۲۰ فوریه- در شورای ملت لزوم کم کردن نیروهای نظامی [عساکر] را مناسب دیده و از حکومت خواست که به موجب این قرار [قانون] تدابیر لازم را به کار برده و قرار خود را به وزارت مربوطه ابلاغ نماید. (۸۳)

پاریس- اکثریت انتخابات اعضای شورای ملت هواخواهان جمهوریت هستند. مسیو بوفه رئیس مجلس رأی نیارود و استعفا کرد. (۸۴)

وین، ۲۱ فوریه- در خصوص کم کردن مقدار قشون عمومی دولت به شورای ملت لایحه داده شده است. (۸۵)

پاریس- در میان پانصد و بیست و هشت کس که به سمت اعضاء در شورای ملت انتخاب شدند دو سوم آنها هواخواهان جمهوریت هستند و شصت و سه کس جانبداران خانواده بناپارت و بقیه حامیان طرف‌های دیگر هستند. (۸۶)

بکرش- شورای ملت تعداد نیروهای شهری را برای سال جاری ۱۵ هزار نفر تصویب نمود. یکی از اعضاء شورای ملت خواستار شد که از هیات وزیران اظهار نارضایتی شود که شورای ملت این درخواست را قبول نکرد و رد نمود. (۸۷)

بکرش - در شورای ملت مسیو پرچیا نو گزارش خود را بیان کرد که اداره راه آهن از طرف یک کمپانی اتریش موافق قانون نیست در این باره بین اهالی مجلس بحث شد و در نهایت به دولت تکلیف شد که باید دولت بر اساس ماده هفدهم مقاوله نامه راه آهن عمل کند. (۸۸)

لندن - مسیو متافورد در مجلس پارلمنت گفت که اصول و روش کشتی هایی که از کانال مصر می گذرند تغییر نخواهد کرد تا زمانی که باب عالی و جناب خدیو و دولت های اروپایی متفقاً پیمان جدیدی منعقد نمایند. (۸۹)

وین - از شورای ملت خواسته شد که حکومت به برخی از راه های آهن کمک کند ولی شورای ملت این تقاضا را رد کرد به همین خاطر سهام آنها تنزل کرد ولی در هنگام تعطیل بورس باز سهام ترقی کرد. فردا مجلس شورای ملت درباره عهدنامه تجاری دو مملکت اتریش، مجارستان مذاکره خواهد داشت. (۹۰)

ترکیب مجلس انگلیس: درباره تشکیل مجلس پارلمان انگلیس قبلاً نوشتیم حال کیفیت آن مجلس را می نویسم از مجلس مبعوثان ملت [پارلمان یا شورای ملت] که وکیل رعایا هستند. دو بیست و پنجاه و دو نفر از صاحب منصبان نظامی که حالا یا قبل دارای مناصب نظامی بوده اند از اشراف و فئودال ها یکصد و بیست نفر - و از سرزمین ایرلند ۵ نفر - از بین وکلا و وزرا و مامورین عالی رتبه قبلی چهل و هفت نفر - یکصد و چهارده نفر از وکلای دادگستری و بیست و نه نفر از بانکداران و طرف های معتبر و نود و هفت نفر از مجلس اداره راه آهن و ۱۹ نفر از آجودانان و یازده هستند در این مجلس از جانب دانشمندان و ادیبان نیز هستند. از جمله ۵۶ نفر از نویسندگان و یازده نفر از صاحبان امتیاز و مدیران روزنامه ها و سه نفر پزشک و چهار معلم و سه نفر معمار و چهار نفر صاحب معادن و ۱۰ نفر از صاحبان کارخانه های آهن و نود و یک نفر کشتی ساز و دو نفر کارگر. (۹۱)

وین - وزیر عدلیه نظام نامه جدید مالکیت را به شورای ملت دادند. (۹۲)
مونیخ - رئیس هیات وکلا در مجلس مبعوثان بیان کردند که حکومت حق مالکیت خود را در راه های آهن به امپراتور آلمان واگذار نخواهد کرد. مسیو آوبر حسب انتخابات رئیس شورای ملت شد. (۹۳)

بکرش - حکومت قرار داد لایحه درباره تشکیل بورس در بکرش را به شورای ملت تقدیم نمود. (۹۴)

وین - احتمال دارد فردا شورای ملت قانون تجاری بین اتریش، مجارستان را تصویب کند. (۹۵)
(توضیح درباره دولت اتریش، مجارستان) در گفتار پیرامون دولت های مغرب زمین که روزنامه اختر آورده است این توضیح را داده است که دولت های فوق شامل دو ایالت مستقل یکی اتریش

و دیگری مجارستان است که اخیراً به اتریش پیوسته و قرار شده است که نام آن کشور به اتریش
مجارستان تبدیل شود و پایتخت آن وین می‌باشد. (۹۶)

پاریس - اعضای شورای ملت که هواخواهان جمهوریت هستند بیانیه نوشته و اصلاحاتی را
سفارش و توصیه کرده‌اند. (۹۷)

وین، ۲۸ فوریه - امروز در شورای ملت درباره عهده نامه تجارته اتریش، مجارستان مذاکره
شد و پس از گفت‌وگوهای زیاد و دقیق و تصویب شد. (۹۸)

بکرش - وزیر دارایی از شورای ملت برای گرفتن یک استقراض که به مبلغ سی میلیون فرانک
می‌باشد اجازه خواسته است این وام برای کسری بودجه و اتمام راه آهن مصرف خواهد شد. ممکن
است شورای ملت این استقراض را بپذیرد. (۹۹)

وین - عده‌ای از اعضای شورای ملت از حکومت خواسته‌اند که اگر دولت درباره فراریان بوسنی
عهده‌نامه‌ای بسته است باید این عهده‌نامه را به ما اعلام کند. (۱۰۰)

آلمان - در مجلس شورای ملت تصویب کردند که از خط‌های راه آهن خواه کلی یا جزئی چیزی
به امپراتور آلمان فروخته نشود. (۱۰۱)

مونخ - وزیر داخلی در مجلس شورای ملت بیان کرد که حکومت چنان ندارد لایحه نظامنامه
جدید انتخاباتی به مجلس ارائه کند. (۱۰۲)

واشنگتن - مجلس شورای ملت وزیر جنگ را متهم کردند که یک ماموریت را به پول فروخته
است و به این دلیل وزیر مربوطه را به مجلس محاکمه خواهند کشید. (۱۰۳)

وین - مجلس والای نجبا [مجلس سنا] عهده‌نامه تجارته اتریش - مجارستان را تأیید کرد.
لایحه‌ای برای تشکیل کمیسیون استقراضی نیز پذیرفته شد. قانون مالیات گرفتن از بورس وین
نیز تصویب شد. (۱۰۴)

ایتالیا - مجلس پارلمان گشود شد اعلیحضرت قرال در مراسم افتتاح بیان کردند که امور داخلی
دولت خوب است و مناسبات خارجی ایتالیا با کشورهای اروپایی دوستانه است. بعد از آن درباره
خرید راه آهن و عهده‌نامه‌های تجاری و موازنه دخل و خرج دولت بی آنکه بر مالیات اضافه شود
سخن گفت و سخن را بر لزوم اصلاح وضع ارتش زمینی و دریایی به پایان برد. . . . (۱۰۵)

لندن - در پارلمان مسیو دیسرائیلی [نخست وزیر] گفته است که خدیو مصر خواستار یک نماینده
از طرف دولت انگلیس برای نظارت بر بانک مصر شود ولی دولت انگلیس این درخواست را قبول
نکرد چون که رابطه تجاری دولت انگلیس با آن بانک مختل می‌گردد. پارلمان انگلیس با مبلغی که
دولت انگلیس برای خرید سهام درخواست کرده است موافقت کرد. (۱۰۶)

پاریس ۷ مارس - از اعضای مجلس سناتو و مجلس تنظیمات [قانونگذاری] آنهایی که هواخواهان

جمهوریت هستند امروز جمع شدند و قرار گذاشتند که اگر هیات وکلای دولت [هیات وزیران] از طرفداران جمهوریت معین نشوند به آنها رأی ندهند. (۱۰۷)

لندن ۷ مارس - سیردولف [احتمالاً وزیر خارجه انگلیس باشد] از مجلس پارلمنت خواست که به کانال مصر [سوئز] عنوان بی طرف [بین الملل] داده شود و گفته است اعتقاد این است که به این واسطه حقوق اعلیحضرت پادشاه عثمانی و خدیو مصر و کمپانی کانال همه محافظت خواهد شد. (۱۰۸)

وین ۹ مارس - در مجلس شورای ملت کشیشان و حامیان کشیشان استعفا کردند و بدین جهت تعداد اعضای مجلس کمتر از قدر مقرر شد و باعث تعطیل مجلس گردید. (۱۰۹)

پی‌نوشت‌ها

- ۱- اختر، سال اول، شماره ۲، ۱۸ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۲- همان
- ۳- همان
- ۴- همان ۱۸۷۶
- ۵- اختر، سال اول، شماره ۳، ۲۰ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۶- اختر، سال اول، شماره ۹، ۲۸ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۷- اختر، سال دوم، شماره ۱۲، ۲ محرم ۱۲۹۳ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۸- اختر، سال دوم، شماره ۱۳، ۴ محرم ۱۲۹۳ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۹- اختر، سال دوم، شماره ۱۹، ۱۴ محرم ۱۲۹۳ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۱۰- اختر، سال دوم، شماره ۲۲، ۱۹ محرم ۱۲۹۳ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱ (ادبیات این جملات اندکی روان گشته است)
- ۱۱- اختر، سال دوم، شماره ۲۷، ۲۶ محرم ۱۲۹۳، ص ۱ (ادبیات اندکی روان شده است)
- ۱۲- اختر، سال دوم، شماره ۳۷، ۱۱ صفر ۱۲۹۳ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۱۳- اختر، سال دوم، شماره ۴۵، ۲۲ صفر ۱۲۹۳ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۱۴- اختر، سال دوم، شماره ۵۰، ۴ ربیع‌الاول ۱۲۹۳ (۱۵ ژانویه ۱۸۷۶) ص ۱
- ۱۵- اختر، سال دوم، شماره ۵۱، ۶ ربیع‌الاول، سال ۱۲۹۳، ص ۱
- ۱۶- همان، ص ۳
- ۱۷- اختر، سال اول، شماره ۲، سال نخستین ۱۸۵ ذی‌الحجه ۱۲۹۲، ص ۱
- ۱۸- اختر، سال اول، شماره ۵، ۲۲ ذی‌الحجه ۱۲۹۲، ص ۱
- ۱۹- اختر، سال اول، شماره ۹، ۲۸ ذی‌الحجه ۱۲۹۲، ص ۱
- ۲۰- اختر، سال، شماره ۱۰، ۲۹ ذی‌الحجه ۱۲۹۲، ص ۱

- ۲۱- اختر، سال دوم، شماره ۱۳، ۴ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۲۲- اختر، همان
- ۲۳- اختر، همان
- ۲۴- اختر، همان ص ۳
- ۲۵- اختر، سال دوم، شماره ۱۶، ۷ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۲۶- اختر، سال دوم، شماره ۱۷، ۱۲ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۲۷- اختر، سال دوم، شماره ۵۸-۱۷ ربیع الاول ۱۲۹۳ - ص ۱
- ۲۸- اختر، سال دوم، شماره ۵۵، ۱۱ ربیع الاول ۱۲۹۳ - ص ۱
- ۲۹- اختر، سال دوم، شماره ۲۱، ۱۸ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۰- اختر، سال دوم، شماره ۲۲، ۱۹ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۱- اختر، سال دوم، شماره ۲۰، ۱۶ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۲- اختر، سال دوم، شماره ۲۴، ۲۱ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۳- اختر، سال دوم، شماره ۳۴، ۶ صفر ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۴- اختر، سال دوم، شماره ۳۳، ۵ صفر ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۵- اختر، سال دوم، شماره ۳۰، ۱ صفر ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۶- اختر، سال دوم، شماره ۲۹، ۲۸ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۷- اختر، سال دوم، شماره ۲۷، ۲۷ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۸- اختر، سال دوم، شماره ۱۹، ۱۴ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۳۹- اختر، سال دوم، شماره ۱۸، ۱۳ محرم ۱۲۹۳، ص ۱
- ۴۰- اختر، سال دوم، شماره ۱۸، ۱۳ محرم ۱۲۹۳، ص ۲
- ۴۱- اختر، سال دوم، شماره ۲۵، ۲۳ محرم ۱۲۹۳، ص ۳ و شماره‌های بعدی
- ۴۲- اختر، سال دوم، شماره ۳۴، ۶ صفر ۱۲۹۳، ص ۱
- ۴۳- اختر، همان، ص ۲
- ۴۴- اختر، سال دوم، شماره ۳۵، ۸ صفر ۱۲۹۳، ص ۲
- اختر، سال سوم، شماره ۱۴، ۹ ربیع الاول ۱۲۹۳، ص ۲ و ۴
- ۴۵- روزنامه اختر، سال دوم، شماره ۶۱، ۲۵ ذی‌الحجه ۱۲۹۳، ص ۵
- ۴۶- اختر، همان، ص ۷
- ۴۷- روزنامه اختر، سال سوم، شماره ۱، ۲ محرم ۱۲۹۴، ص ۱
- ۴۸- روزنامه اختر، سال سوم، شماره ۱، ۲ محرم ۱۲۹۴، ص ۲
- ۴۹- روزنامه اختر، همان شماره، ص ۳
- ۵۰- روزنامه اختر، سال سوم، شماره ۳، ۱۶ محرم ۱۲۹۴، ص ۲



- ۵۱- روزنامه اختر، همان شماره، ص ۴
- ۵۲- روزنامه اختر، همان شماره، ص ۵
- ۵۳- روزنامه اختر، سال سوم، شماره ۴، ۲۳ محرم سال ۱۲۹۴، ص ۱
- ۵۴- روزنامه اختر، همان شماره، ص ۲ و ۳ و ۸
- ۵۵- روزنامه اختر، همان شماره، ص ۹
- ۵۶- روزنامه اختر، همان شماره، ص ۱۰
- ۵۷- روزنامه اختر، سال سوم، شماره ۵، ۳۰ محرم ۱۲۹۴، ص ۵
- ۵۸- روزنامه اختر، سال سوم، شماره ۵، ۳۰ محرم ۱۲۹۴، (۱۴ فوریه ۱۸۷۷)، ص ۶
- ۵۹- روزنامه اختر، سال دوم، شماره ۵۸، ۱۷ ربیع الاول ۱۲۹۳، ص ۱
- ۶۰- انگلیس، ۱۲۹۲، شماره اول (فاقد مشخصات)، ص ۴، ستون ۳.
- ۶۱- اختر، ذی الحججه ۱۲۹۲، (۱۹ ژانویه ۱۸۷۶)، نمره ۵، ص ۴، ستون ۲.
- ۶۲- اختر، ذی الحججه ۱۲۹۲ (۲۰ ژانویه ۱۸۷۶)، نمره ۶، ص ۴، ستون ۲.
- ۶۳- اختر، ذی الحججه ۱۲۹۲ (۲۰ ژانویه ۱۸۷۶)، ص ۳، ستون ۴.
- ۶۴- اختر، دوم محرم ۱۲۹۳ (۲۹ ژانویه ۱۸۷۶)، ص ۳، ستون ۴
- ۶۵- اختر، دوازده محرم ۱۲۹۳ (۸ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳، ستون ۴
- ۶۶- اختر، چهارده محرم ۱۲۹۳ (۱۰ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳، ستون ۴
- ۶۷- همان
- ۶۸- اختر، شانزده محرم ۱۲۹۳ (۱۲ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳، ستون ۴
- ۶۹- اختر، شانزده محرم ۱۲۹۳ (۱۲ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳، ستون ۴
- ۷۰- اختر، شانزده محرم ۱۲۹۳ (۱۲ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳، ستون ۴
- ۷۱- اختر، هجده محرم ۱۲۹۳ (۱۴ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳، ستون ۳
- ۷۲- همان
- ۷۳- اختر، بیست محرم ۱۲۹۳ (۱۶ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۷۴- اختر، بیست محرم ۱۲۹۳ (۱۶ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۷۵- اختر، بیست محرم ۱۲۹۳ (۱۶ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۷۶- اختر، بیست و سه محرم ۱۲۹۳ (۱۹ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۲
- ۷۷- اختر، بیست و سه محرم ۱۲۹۳ (۱۹ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۷۸- اختر، بیست و سه محرم ۱۲۹۳ (۱۹ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۷۹- اختر، بیست و سه محرم ۱۲۹۳ (۱۹ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۰- اختر، بیست و سه محرم ۱۲۹۳ (۱۹ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۱- اختر، بیست و پنج محرم ۱۲۹۳ (۱۱ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳

- ۸۲- اختر، بیست و شش محرم ۱۲۹۳ (۱۲ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۳- اختر، بیست و هفت محرم ۱۲۹۳ (۲۳ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۴- اختر، بیست و هفت محرم ۱۲۹۳ (۲۳ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۵- اختر، بیست و هفت محرم ۱۲۹۳ (۲۳ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۶- اختر، بیست و هشت محرم ۱۲۹۳ (۲۴ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۷- اختر، بیست و هشت محرم ۱۲۹۳ (۲۴ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۸- اختر، اول صفر ۱۲۹۳ (۲۶ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۸۹- اختر، اول صفر ۱۲۹۳ (۲۶ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۹۰- اختر، اول صفر ۱۲۹۳ (۲۶ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۹۱- اختر، سه صفر ۱۲۹۳ (۲۸ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۲ و ۳
- ۹۲- اختر، سه صفر ۱۲۹۳ (۲۸ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۲ و ۳
- ۹۳- اختر، سه صفر ۱۲۹۳ (۲۸ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۲ و ۳
- ۹۴- اختر، سه صفر ۱۲۹۳ (۲۸ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۲ و ۳
- ۹۵- اختر، سه صفر ۱۲۹۳ (۲۸ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۲ و ۳
- ۹۶- اختر، چهار صفر ۱۲۹۳ (۲۹ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۹۷- اختر، چهار صفر ۱۲۹۳ (۲۹ فوریه ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۹۸- اختر، پنج صفر ۱۲۹۳ (۱ مارس ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۹۹- اختر، شش صفر ۱۲۹۳ (۲ مارس ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۱۰۰- اختر، شش صفر ۱۲۹۳ (۲ مارس ۱۸۷۶)، ص ۳
- ۱۰۱- اختر، ده صفر ۱۲۹۳ (۶ مارس ۱۸۷۶)، ص ۲ و ۳
- ۱۰۲- اختر، ده صفر ۱۲۹۳ (۶ مارس ۱۸۷۶)، ص ۲ و ۳
- ۱۰۳- اختر، ده صفر ۱۲۹۳ (۶ مارس ۱۸۷۶)، ص ۲ و ۳
- ۱۰۴- اختر، یازده صفر ۱۲۹۳ (۷ مارس ۱۸۷۶)، ص ۱
- ۱۰۵- اختر، دوازده صفر ۱۲۹۳ (۸ مارس ۱۸۷۶)، ص ۲
- ۱۰۶- اختر، دوازده صفر ۱۲۹۳ (۸ مارس ۱۸۷۶)، ص ۲
- ۲۰۷- اختر، چهارده صفر ۱۲۹۳ (۹ مارس ۱۸۷۶)، ص ۲
- ۱۰۸- اختر، چهارده صفر ۱۲۹۳ (۹ مارس ۱۸۷۶)، ص ۲
- ۱۰۹- اختر، پانزده صفر ۱۲۹۳ (۱۱ مارس ۱۸۷۶)، ص ۲